



فروغی از کوثر: زندگینامه حضرت فاطمه معصومه (علیها السلام)

مشخصات کتاب

سرشناسه : محمدبیگی الیاس 1341-

عنوان و نام پدیدآور : فروغی از کوثر: زندگینامه حضرت فاطمه معصومه ع / مولف الیاس محمدبیگی

مشخصات نشر : قم زائر 1379.

مشخصات ظاهری : 154] ص مصور (رنگی).

شابک : 40000 ریال : 964-6401-28-7 ؛ 9000 ریال (چاپ هفتم) ؛ 10000 ریال (چاپ هشتم)

یادداشت : چاپ قبلی زائر: آستانه مقدسه قم امور فرهنگی 1374.

یادداشت : چاپ هفتم: 1385.

یادداشت : چاپ هشتم: 1386.

یادداشت : کتابنامه ص [154 - 153].

موضوع : معصومه س بنت موسی کاظم (ع) ، 183؟ - 201؟ق -- سرگذشتنامه

موضوع : معصومه س بنت موسی کاظم (ع) ، 183؟ - 201؟ق -- شعر



موضوع: قم (استان) -- زیارتگاهها

رده بندی کنگره: / BP52/6 م 6 ف 4 1379

رده بندی دیویی: 976/297

شماره کتابشناسی ملی: م 79-5939

سخن ما

گر چه از نظر فلسفی زمان ها و مکان ها از جهت زمانی و مکانی هیچ امتیازی بر یکدیگر ندارند؛ ولی از منظر دینی و با توجه به تأثیر ارزش های الهی، برخی از زمانها و مکانها از قداست و مکانت ویژه ای برخوردارند و نسبت به دیگر اجزاء زمانی و مکانی امتیاز خاصی دارند: که برتری شب قدر از هزار ماه عبادت و شب مبارک بودنش به برکت نزول قرآن کریم بوده و این بروز رخدادهای آسمانی و ظهور نشانه های الهی است که برخی از روزها را «ایام الله» ساخته است. چنانچه با نزول آغازین آیات نور بر جان پاک نبوی و ابلاغ رسالت محمدی (صلی الله علیه وآله وسلم) توسط فرشته وحی، کوه حرا، جبل النور و تجلیگاه جمال و جلال ربوبی شد و شهر مکه و کعبه معظمه با حضور پیامبر رحمت شکوه و عظمتی دوباره یافت

و هجرت حضرتش به شهر یثرب آن را مدینه النبی ساخت.

و این قیام خونین و حیاتبخش حسینی در سرزمین نینوا و قداست و طهارت ثاراللهی حضرت سیدالشهدا بود که کربلا را بر کعبه برتری داد و تربتش را طینت عرشی و عطر بهشتی عطا نمود. و اگر از شهر قم در قاموس سراسر نور اهلیت، به عظمت و بزرگی یاد شده به آن



جهت است که، همواره این دیار مقدس مرکز نشر فرهنگ و معارف نورانی اهلیت و خاک پاکش مهد تربیت رجال بزرگ و نامدار علم و دانش بوده و آسمان رفیع فرهنگش با سیمای فرزندگان فقه و حدیث و معارف دینی فروزنده است. درخشش نام قم و قمی را در پرتو احادیث و اخبار امامان معصوم و دلباختگی مردمان خداجویش به آل رسول جستجو باید کرد. اما این همه نبود جز از برکات هجرت کریمه اهلیت و اجلال نزول و غروب غمبار آن نجمة آسمان ولایت در دیار عاشقان امامت؛ او که بارگاه رفیعش جلوه ای از بهشت برین و مدفن شریفش مطاف عرشیان و ملجأ و معبد صالحان و نقطه امید دین باوران است. توجه به موقعیت خاص شهر قم و مشاهده بی کران معنویت و شکوه این کوکب دری آسمان عفاف حضرت فاطمه معصومه (علیها السلام) بود که برخی صاحبان فضل و قلم را بر آن داشت که دلباختگان خاندان عصمت به ویژه نسل جوان را با گوشه ای از آن عظمت آشنا ساخته و آثار ارزشمندی را در این رابطه به جامعه دینی ارایه نمایند. که از جمله آنها است اثر گرانقدر جناب حجه الاسلام و المسلمین آقای الیاس محمد

بیگی (صادقی) تحت عنوان «فروغی از کوثر» که در برگیرنده پیشینه های درخشان شهر قم و جلوه ای از زندگانی و فضایل و کرامت های حضرت فاطمه معصومه (علیها السلام) و مطالب متنوع دیگری می باشد.

ما خادمان فرهنگی آستانه مقدسه کریه اهلیت خدای را شاکریم، در سالی که به نام امام علی بن ابی طالب (علیه السلام) نامگذاری شده، توفیق تجدید چاپ و نشر این اثر را به ما ارزانی داشت. در پایان از مساعدت تولیت معظم آستانه مقدسه حضرت آیه الله مسعودی و معاون محترم ایشان جناب آقای فقیه میرزایی در جهت تحقق این مهم تشکر می نمایم؛ امید



آن که همواره توفیق الهی در جهت ارایه خدمات فرهنگی بیشتر به جامعه دینی رفیق راهشان باشد.

صفحه 6

صفحه 7

بسم الله الرحمن الرحيم

پیشگفتار

آشنایی با موقعیت جغرافیایی و پیشینه تاریخی، سیاسی، اجتماعی هر سرزمین گر چه به جای خود ارزشمند بوده و بر اطلاعات عمومی انسان می افزاید؛ ولی شناخت بعضی از سرزمین ها به خاطر نقش اساسی نخبگان و فرهیختگان آن سامان، در پایه گذاری و ترویج فرهنگ و معارف حیاتبخش دینی و تحکیم عقاید اسلامی و سوابق درخشان آن، از ارزش و اهمیت مضاعفی برخوردار است. که یکی از این سرزمین های ممتاز، شهر قم می باشد؛ دیار مقدسی که در طول تاریخ اسلام از بزرگترین مراکز نشر معارف حیاتبخش شیعه به شمار آمده و تربیت یافتگان مکتب فقه و حدیثش احیاگر مظاهر فرهنگ غنی اهل بیت (علیهم السلام) بودند؛ و مردمان خدا جوی آن طلایه داری نهضت های علمی، فرهنگی، سیاسی و

رهبری قیامهای حق طلبانه مردمی در برابر حاکمان ستم پیشه را به عهده داشتند. بدینسان اهل قم، قیام را عینیت بخشیدند و قم در طول تاریخ چونان خورشیدی تابان درخشید و نور و تحرک آن آزادیخواهان مسلمان را به حرکت درآورد و نام قم در دنیا مرادف با قداست



و پایداری و شجاعت گردید . و به خاطر همین جایگاه عظیم ، قم در قاموس سراسر نور رهبران معصوم (علیهم السلام) بعنوان حریم امن ولایت و کاشانه آل محمد و سرچشمه جوشان علوم و معارف خاندان رسالت معرفی شد ؛ و مردمان خدا باورش پیروان راستین اهل بیت و یاوران مهدی امت و زمینه سازان حکومت جهانی حضرتش شناخته شدند . و شکوه و عظمت این دیار مقدس ، آنگاه فزونی یافت که خاک پاکش ، بارگاه ملکوتی بزرگ یادگار آل رسول و عصاره فضایل آل بتول « حضرت فاطمه معصومه سلام الله علیها » گردید ؛ و هجرت زینب گونه و رحلت جانسوز حضرتش در این سرزمین ، حرم اهل بیت بودن آن را تفسیر نمود ؛ و باجلال و جمال فاطمی خود، قم را تجلیگاه انوار تابناک ائمه هدی (علیهم السلام) قرارداد.

صفحه 8

و سرانجام قم ، این پایگاه عظیم ولایت علوی و حوزه فقاقت جعفری بود که خاستگاه انقلابی بی نظیر ، به رهبری پیشوای حکیم و فرزانه « حضرت امام خمینی (قدس سره) » گردید که حکومت اسلامی به بارآمده از آن ایران زمین را نقطه امید مستضعفان سراسر گیتی و شهر قم را مرکز ام القرای جهان اسلام قرارداد.

حکومت الهی که امروز به رهبری حضرت آیه الله خامنه ای دام ظلّه راه تعالی و

ترقی خود را طی می کند این همه ، انسان را بر شناختی عمیق و همه جانبه از پیشینه درخشان این دیار پاک و معرفت و آگاهی فراگیر از ابعاد مختلف شخصیتی بزرگ بانوی عالم اسلام حضرت فاطمه معصومه (علیها السلام) وامی دارد که بدون شک اهل قلم و نویسندگان متعهد ، در جهت ارایه چنین شناختی به جامعه ، رسالتی عظیم به عهده دارند ؛ چنانچه تاکنون در



این رابطه آثار ارزشمندی ، توسط برخی از صاحبان قلم نگاشته شده است ما هم در حدّ توان عصاره ای از این آثار گرانقدر را در 9 بخش گردآوری نمودیم و این اثر را با عنوان « فروغی از کوثر » که چیزی جز حاصل عنایت آن حضرت نبوده به روح بلند آن زینب دوران اهدا می نمایم به آن امید که مورد قبول افتد و همواره لطف و کرم آن بزرگوار رهین را همان باشد . و از آنجا که مجموعه حاضر به عنوان اولین اثر نگارنده ، خالی از نقص و ایراد نیست نظر اصلاحی همه عزیزان را با جان و دل پذیراییم .

و ما توفیقی الا بالله

الیاس محمد بیگی « صادقی »

صفحه 9

بخش اول : پیشینه های درخشان شهر قم

پیشینه تاریخی شهر قم

بعضی قائل به قدمت شهر قم بوده و آن را از بلاد باستانی دانسته اند و به شواهد و قرائنی هم استدلال نموده اند از قبیل ذکر « زعفران قمی » در کتابی که مربوط به عصر ساسانیان است و آمدن نام قم در شاهنامه فردوسی ضمن بیان حوادث سال 23ه . ق و اینکه قم و ساوه به دست « تهمورث پیشدادی » بنا نهاده شده است .

ولی این شواهد و قرائن

مدّعا را ثابت نمی کند برای این که موقعیت جغرافیایی و طبیعی سرزمین قم در عصر ساسانیان برای بنای شهری در آن جا مساعد نبوده است و ساخت چنین شهری بدست



تهورث از افسانه های باستانی است که هیچ ارزش تاریخی ندارد. و ذکر نام قم در شاهنامه دلیل بر این نمی شود که در سال 23ه. ق هم آن سرزمین به همین نام بوده برای اینکه فردوسی در اشعار خود نام محلّ فتوحات را به اسامی معروف زمان خودش معرفی کرده است نه به اسامی زمان خود فتوحات و در اسناد تاریخی و گزارش فتوحات ایران به خلیفه مسلمین از سرزمین قم به عنوان (شق ثیمره) نام برده اند.

صفحه 11

بنابر این شهر قم هم ، مانند شهر نجف و کربلا و مشهد مقدّس از شهرهای نوظهور اسلامی است که موجبات موجودیّت آن را باید در جهات مذهبی ، سیاسی جستجو کرد. (1)

هجرت خاندان اشعری به قم

قم از بناهای اسلامی است که با ورود اعراب اشعری (2) به این سرزمین و سکونت در آن و ساختن خانه ها و پیوستن حصارهای موجود بهم ، در سال 83ه. ق (3) موجودیّت یافت و نام قم بر آن نهاده شد.

در این جا لازم است در خصوص مهاجرت اعراب اشعری به این سرزمین توضیح بیشتری داده شود :

« خاندان اشعری » به خاطر ناسازگاری با « حجّاج » حاکم کوفه و کشته شدن یکی از افراد برجسته آن خانواده و احساس ناامنی ، جلاء وطن نمودند و به سوی ایران حرکت کردند ؛ در مسیر حرکت خود به نهاوند رسیدند و عدّه ای از آنها در اثر



ابتلای به وبا از دنیا رفتند ، به همین جهت از آنجا حرکت کردند و به تدریج راهپیمایی نموده تا به سرزمین قم رسیدند .

پاورقی

1 گنجینه آثار قم ، عباس فیض ، ج 1 ، ص 70 .

2 این قبیله در آغاز بعثت رسولخدا(صلی الله علیه وآله وسلم) از یمن به مدینه هجرت کردند و به آن حضرت ایمان آوردند و بزرگ آنها « مالک بن عامر بن هانی » است که در جنگ قادسیه از خود رشادتها نشان داد و ایشان جدّ عبدالله و احوص می باشد که آن دو از بنیانگذاران شهر قم به عنوان پایگاه شیعه بودند . « گنجینه آثار قم ، ج 1 ، ص 137 » .

3 معجم البلدان ، ج 4 ، ص 397 .

صفحه 12

این که علّت آمدن آنها به قم چه بود مطلبی است که باید آن را در فتوحات جدّ ایشان « مالک » در نبرد قادسیه جستجو کرد :

مالک بعد از فتح فراهان و تفرش و آشتیان و ساوه ، با قوم دیلم که دست به چپاول اموال و تجاوز به نوامیس ساکنین آن نواحی گشوده بودند وارد نبرد شد و آنها را ریشه کن و نابود کرده و نوامیس به اسارت برده شده را آزاد کرد . مردم آن سامان که خود را آزاد شده مالک می دانستند از این حادثه همیشه خاطره شیرینی داشتند .

قبیله اشعری هم که با نام این دیار آشنا بودند ، برای پیدا کردن مرتع و چراگاه احشام راهی این سرزمین شدند وقتی که به تَقْرود از نواحی ساوه رسیدند احوص آنجا را سرزمینی سرسبز و مناسب برای احشام خود یافت و در فکر توطن در آنجا برآمد .

منزلگاه اعراب در دامنه کوه یزدان (میانه تقرود و قم) بود . به همین جهت به تدریج خبر ورود خاندان اشعری به یزدان پایدار (یزدانفازار) رئیس زردتشیان رسید .

او از ورود آنان بسیار خرسند شد و تصمیم گرفت برای حفظ و حمایت سرزمین خویش از حمله دیلمان آنها را در سرزمین قم منزل و مأوی دهد ، که سرکوبی قوم چپاولگر دیلم « در حمله مجدد آنان به آن مناطق » ، به دست احوص و همراهانش او را بر این امر مصمم تر نمود و با شنیدن خبر پیروزی شخصاً به استقبال احوص شتافت و به عنوان تقدیر و تشویق بر سر او درهم و زعفران ریخت و قوم او را در میان چند حصار معروف آن زمان جای داد و آنها چادرهای خویش را در فواصل حصارها برپا کرده و برای عبدالله (برادر احوص) مسجدی جهت اقامه نماز و بیان مقررات نورانی اسلام بنا کردند و آنچنان زردتشیان با مسلمانان صمیمیت و محبت یافتند که با هم عهدنامه برادری و مواسات و پیمان دفاعی امضاء نمودند .

صفحه 13

بدینسال اعراب مسلمان ، روز به روز محل سکونت خود را وسعت داده و خانه ها و مزارع بسیاری را خریداری کردند و حصارهای جدای از هم به واسطه ساخته شدن خانه های نو بنیاد ، به هم متصل شدند و شهری یکپارچه بوجود آمد و اولین مسجد در آن شهر بنا نهاده شد .



پیمان یاد شده تا آخر عمر یزدانفاذار بخوبی اجرا می شد و دو قوم زردتشت و مسلمان با هم زندگی مسالمت آمیزی

داشتند؛ ولی پس از او فرزنداناش با دیدن حشمت و ثروت روزافزون مسلمانان و خانه های وسیع و مجلل آنان، خود را در برابر آنها ذلیل و خوار دیده و در اندیشه ناسازگاری برآمدند و بنا را بر پیمان شکنی گذاشتند و از عبدالله و احوص، «بزرگان خاندان اشعری» مصرانه خواستند که با قوم خود از آن سرزمین بیرون روند.

عبدالله و احوص آنها را پند و اندرز فراوان داده و آنها را دعوت به پایبندی به عهد و پیمان برادری نمودند و از عواقب سوء عهدشکنی بر حذر داشتند، ولی قوم زردتشت همچنان بر خواسته خود پافشاری می کردند و تا چهاردهم سال نو به خاندان اشعری مهلت دادند تا هر چه دارند بفروشند و از آن دیار بروند.

در این فاصله زمانی احوص بعد از مشورت با بزرگان قبیله، تصمیم گرفت

صفحه 14

شب چهارشنبه آخر سال، آن دیار را از شر سران زردتشت و بزرگان حصارهای چهل گانه، پاک نماید و راه را برای گرویدن مردم پاک سرشت آن سامان به اسلام بگشاید.

لذا چهل نفر را مأمور ساخت که در چنین شبی در هنگامه جشن و شادمانی و میگساری زردتشتیان، خود را به حصارها رسانده و خدایان حصارها را نابود نمایند.

این نقشه به خوبی اجرا شد و سران فتنه انگیز زردتشتیان آن شهر از میان برداشته شدند و دژهای کفر و لجاجت فروریخت و مردم آن منطقه با احساس آزادی، گروه گروه به اسلام



گرویدند و آتشکده ها یکی پس از دیگری خاموش و به مساجد تبدیل شدند و بدینسان مردم مسلمان

به رهبری احوص و عبدالله اشعری بر این منطقه سروری یافتند(1) ، و شهر قم به عنوان شهری امامی مذهب به وجود آمد ، و مکتب فقه شیعه امامی به دست « عبدالله بن سعد » و پسران او در این شهر بنا نهاده شد و به مرور زمان قم به عنوان شهری « پیرو فقه اهل بیت(علیهم السلام) » همچون ستاره ای درخشان بر آسمان عالم اسلام درخشیدن گرفت .
و به تدریج این شهر مأوی و مأمن پیروان امامت و ولایت شد که تعداد شیعیان مهاجر آن به 6000 نفر می رسید(2) .

پاورقی

1 تاریخ قدیم قم ، حسن بن محمد بن حسن قمی ، ص 245 تا 257 با تصرف .

2 گنجینه آثار قم ، عباس فیض ، ج 1 ، ص 154 .

صفحه 15

پیشینه فرهنگی ، سیاسی شهر قم

مردم قم چنان اهمیت و عظمت یافتند که گوئی در کشور نیمه مستقل کوچکی در « قلب دارالاسلام » زندگی می کردند ، چنانچه از آغاز ظهور خلفای عباسی در سال 132ه . ق تا اواخر دوره خلافت هارون از دادن خراج به حکومت وقت خودداری می کردند و هیچ یک از خلفا توان و جرأت مقابله با آنان را نداشت .



در زمان هارون عباسی که فرمانروایی اسلامی ، حداکثر توسعه را یافت و در سال 184هـ . ق هارون تصمیم گرفت صحابه و دوستان اهل بیت (علیهم السلام) را تحت فشار قرار دهد و قم این کانون ضدّ ظلم و ستم را سرکوب نماید .

لذا هارون « عبدالله بن کوشید قمی » را به حکومت اصفهان (که قم از توابع آن بود) گماشت تا مالیات پنجاه و چند ساله قم را وصول نماید .

او هم برادر خود « عاصم » را عامل قم قرارداد ، عاصم پس از شکنجه و اذیت و آزار مردم حتّی یکدرهم از مالیات معوّقه را هم وصول نکرد ولی همچنان بر فشار خود افزود تا اینکه عدّه ای از اهالی و بزرگان شهر زبان به شفاعت گشودند و لی به نتیجه ای نرسیدند .

بعد از بی نتیجه بودن این وساطتها « عاصم » به دست عدّه ای ، از جان گذشته به هلاکت رسید .

همین حادثه باعث عزل عبدالله از حکومت اصفهان شد ولی عبدالله به دارالخلافت شتافت و با پرداخت یک میلیون درهم خواستار بازگشت به سمت قبلی خود شد ، به شرط اینکه قم از تابعیت اصفهان خارج شود . سرانجام با توضیحات قانع کننده او و بیانات « حمزه بن الیسع » از بزرگان قم و عهده دار شدن خراج شهر ، هارون استقلال شهر قم را پذیرفت و بدینسان این شهر استقلال سیاسی یافت و پس از تعیین حدود آن ، مسجد جامع با منبری برای امام جمعه (که نشانه استقلال هر ناحیه بود) در آن ساخته شد . (1)



هنگام استقلال در این سرزمین دو شهر وجود داشت یکی شهر جدید اسلامی بنام « قم » و دیگری شهر زردتشتیان بنام « کمیدان » که عمال حکومتی و زندان شهر در آنجا بودند چرا که اهل قم عمال حکومت را به شهر خود راه نمی دادند .

مبارزه بی امان مردم قم با ستمگران

مردم قم با حاکمان ستمگر زمان خود همیشه سر ناسازگاری داشتند ، و در زمانهای مناسب در برابر آنان دست به شورش و انقلاب می زدند

و از پرداخت مالیات و حمایت اقتصادی حکومت مرکزی خودداری می کردند . بعد از شهادت حضرت رضا(علیه السلام) در سال 203ه . ق و پی بردن مردم قم به جنایت مأمون و دستگاه خلافت ، به عنوان اعتراض به این فاجعه عظیم و اعلان حمایت از حریم مقدس ولایت و امامت ، مردم دست به انقلابی بی سابقه زدند و در برابر حاکمان عباسی دست به تمرد زدند ، و از دادن خراج و مالیات سالانه شهر خودداری کردند .

پاورقی

1 گنجینه آثار قم ، عباس فیض ، ج 1 ، ص 154 .

صفحه 17

این انقلاب همگانی حدود 10 سال ادامه داشت و سرانجام با یورش سپاهیان حکومتی به فرماندهی « علی بن هشام » به شهر ، عده ای از سران شهر همراه « یحیی بن عمران » بزرگ قمیین که این نهضت عظیم مردمی را سازماندهی می کرد کشته شدند و قسمتی از شهر



خراب گردید و مالیاتهای گذشته وصول شد. مردم به تدریج به عمران شهر پرداختند و تا سال 216ه. ق شهر اوضاع آرامی داشت .

در همین سال ، « زمان خلافت معتصم » بود که مردم به دارالحکومه قم حمله کردند و عامل حکومت (طلحی) را از شهر بیرون رانده و عکم مخالفت برافراشتند .

معتصم به تحریک (طلحی) سپاهی را به فرماندهی « وصیف ترک » مأمور سرکوبی اهالی کرد ، و او همراه حاکم رانده شده قم به هر حيله ای بود به داخل شهر رخنه نمود و سپاهیانش به قتل و غارت اهالی پرداختند و خانه ها و باغ های افراد انقلابی را آتش زدند و شهر را به تلی از خاکستر مبدل نمودند .

ولی این همه ، نتیجه ای جز برافروخته شدن خشم عمومی مردم نداشت . لذا پس از مواجه شدن سپاه با اعتراض و مخالفت مردمی ، فردی به نام « محمد بن عیسی بادغیسی » که فردی خوشخو و صدیق بود به حکومت قم گماشته شد ؛ حاکم جدید با درایت خاصی که داشت رضایت مردم را جلب نمود و بذر مودتی بین آنها پاشید که تا سال 245ه. ق در این شهر حادثه خونینی پیش نیامد .

بالاخره در زمان خلافت متوکل ، که او فردی جسور و لاابالی بود و از اهانت به مقدّسات دین و بزرگان اسلام هراسی نداشت « مانند تظاهر او به سبّ علی (علیه السلام) و صدیقه طاهره (علیها السلام) در مجالس عمومی و تخریب مرقد سیدالشهداء (علیه السلام) » مردم عاشق ولایت و امامت قم با دیدن این جسارتها و اهانت ها که به ساحت مقدّس بزرگان دین می شد ، آنچنان برآشفتمند که در فرصت مناسب با تقویت معارضین حکومت عباسی همچون حسین کوبی که از اشراف سادات علوی بود دولت علوی کوچکی تشکیل دادند



و عمال حکومتی را خلع ید کردند و تا سه سال این حکومت برقرار بود. که سرانجام معتمد عباسی حاکم «بلاد جبل» را مأمور براندازی حکومت علویون و سرکوب نهضت قمیون کرد و او با سپاهی فراوان پس از سرنگون کردن حکومت حسین کوبی، اهالی قم را سرکوب و سران آنها را کشت و عده ای را زندانی کرد و در ظلم و ستم به

مردم تا آنجا پیش رفت که آنها برای در امان ماندن از شر او به امام حسن عسکری (علیه السلام) پناهنده شدند و حضرت برای رهایی از این شر عظیم دعایی به آنان تعلیم فرمود که در نماز شب بخوانند.

صفحه 18

این سرکوبهای خونین هیچ تأثیری در خاموشی شعله های انقلاب و قیام علیه ظلم و ستم نداشت و لذا مردم قم به مجرد درگیری معتمد با یعقوب لیث (در سال 263ه. ق) و ضعف نیروهای تهاجمی او مجدداً در برابر او به قیام برخاستند.

این انقلاب و شورش گاه و بیگاه وجود داشت تا اینکه در زمان معتضد عباسی، «یحیی بن اسحاق» که از طائفه امامیه بود به عنوان حاکم قم منصوب شد و او که شخصی ملایم و پرتجربه بود کوشش کرد تا از بغض و کینه مردم نسبت به خلفا بکاهد و از بوجود آمدن شورش های متوالی جلوگیری نماید. او در این راه موفق شد و با آرامش نسبی شهر، و با همکاری او، اقدامات اساسی در شهر صورت گرفت که از آن جمله: خاموش کردن آخرین آتشکده این سرزمین و بنای مأذنه و مناره عظیمی در کنار مسجد «ابوالصدیم اشعری» بود که صدای اذان را به هر دو قسمت شهر می رساند. (1)

صفحه 19



انقلاب فرهنگی ، سیاسی

در همین زمان بود که « علی بن بابویه » با ریاست و مرجعیت عامه خود مکتب پربرکت و بی نظیری را در قم تأسیس کرد که آمار تربیت شدگان آن مرکز بزرگ علمی و محدثین عصرایشان ، تا دویست هزار تن نقل شده است .(2)

با طلوع ستاره »

بابویه « بود که روش مبارزه مردم با دستگاه خلافت تغییر کلی یافت و آنها به مبارزات اصولی پرداختند ، از طرفی پسران (بویه) را تقویت کرده و با قدرت ایشان خلفا را یکی پس از دیگری برکنار می کردند و حکومتهایی از آل علی (علیه السلام) را در طبرستان به نام ناصر کبیر ، و ناصر صغیر روی کار آوردند . از طرفی گروهی از دانشمندان اسلامی برای تبلیغ و ترویج مبانی و معارف دینی از قم به خدمت امرأ شتافته و اکثر ایشان به مقام وزارت و امارت و ریاست رسیدند و نام وزرای قمی ، زینت بخش تاریخ سیاست و حکومت شد .

پاورقی

1 گنجینه آثار قم ، ج 1 ، ص 153 .

2 همان ، ج 1 ، ص 162 .

صفحه 20

وزارت « استاد ابن العمید » در حکومت « رکن الدوله دیلمی » پس از مشورت با مرحوم ابن بابویه و صلاحدید آن بزرگوار بود ؛ که هجرت علمی مرحوم شیخ صدوق از قم به ری (



بنا به دعوت استاد ابن العمید) و آثار گرانقدر علمی، فرهنگی این هجرت مقدس همه از برکات این اقدام سیاسی زعیم بزرگ شیعه در آن دوران می باشد.

چنانچه سفر مرحوم «ابن قولویه» به بغداد و تأسیس مکتب فقه جعفری در مسجد «براثا» و دهها اقدامات علمی، فرهنگی که در سراسر عالم اسلام صورت گرفت همه و همه از برکات مکتب «مرحوم ابن بابویه» در قم بود.

و سرانجام این مکتب پربار بود که انقلاب عظیم فرهنگی، سیاسی را جایگزین انقلاب های محلی کرد و پست های

کلیدی سیاست و فرهنگ جامعه را در اختیار تربیت یافتگان مکتب اهل بیت (علیهم السلام) قرار داد تا بشریت تشنه حکومت عدل و معارف شیعه را به سرچشمه گوارای اسلام حقیقی و تشیع علوی رهنمون سازند(1).

و در طول تاریخ همواره قم به عنوان منبع جوشان علم و معارف اسلامی بوده و تربیت یافتگان حوزه پربرکت آن به عنوان پاسداران امین اصالت دینی و فرهنگی، سیاسی جامعه دینی شناخته شده اند و تا به امروز قم چون ستاره ای نورانی و مشعلی فروزان دلیل راه میلیونها مسلمان بوده و رهپویان راه حقیقت را به سر منزل مقصود رهنمون ساخته است و سرانجام این دیار خون و قیام بود که خاستگاه انقلابی شکوهمند به رهبری قائد عظیم الشأن حضرت امام خمینی شد و ثمره آن نظامی اسلامی گردید که امروز پایگاه عظیم حق طلبان مسلمان و نقطه امید مستضعفان و محرومان سراسر جهان به شمار می آید و اکنون به حقیقت می توان گفت که: ایران اسلامی ام القرای عالم اسلام و قم قبه الاسلام و حرم اهل بیت و کاشانه آل رسول است.



پاورقی

1 گنجینه آثار قم ، ج 1 ، ص 162 «با تصرف» .

صفحه 21

پیشینه درخشان مذهبی شهر قم

جایگاه ممتاز و بی نظیر قم از نظر مذهبی و روحانی غیر قابل انکار است ؛ چرا که این شهر از آغاز موجودیت تا امروز در طول سیزده قرن پایتخت شیعه امامیه خوانده شده و مهد دانش و فضیلت و سرچشمه جوشان حکمت و معرفت بوده است .

خدمات برجسته و مساعی ارزنده دانشمندان قم در راه احیای آیین تشیع و نشر معارف دینی و فرهنگ پر بار اسلامی به حدی

بود که تاج کرامت ابدی دینی بر تارک شریف آنان نهاده شد که : « لَوْلَا الْقُمِّيُّونَ لَضَاعَ الدِّينُ » . (1)

آری قم شهری است که خشت اول معنویت آن را گروهی از صحابه و دوستان ائمه (علیهم السلام) از اعراب اشعری با مصالح ایمان و ملات تولی بکار گذاشته و شالوده این شهر مقدس را از سال 83 ه . ق (2) و در دوران امام باقر و امام صادق (علیهما السلام) طرح ریزی نمودند .

این شهر در مرکز فرمانروایی اسلامی چون کشوری مستقل و با مقرراتی خاص اداره می شد و از مزایا و ویژگیهایی برخوردار بود و حتی در دوران اختناق حاکم بر امامیه هم مردم قم



بدون تقیّه با کمال آزادی عقیده در این دیار مقدّس به جمع آوری آثار و اخبار آل محمّد و تدوین آنها پرداختند و در سرود آسمانی اذان برفراز ارتفاعات با صدای رسا بر ولایت علیّ (علیه السلام) شهادت می دادند . مکتب امامیه اولین بار توسط اعراب اشعری در قم افتتاح گردید که فقه شیعه به طور رسمی و علنی در آن تدریس می شد و مشعل هدایت و ارشاد در این شهر فروزان گردید و تربیت یافتگان این مکتب الهی بر سایر بلاد اسلامی نور افشانی کردند. (1)

پاورقی

1 بحار ، ج 60 ، ص 217 .

2 معجم البلدان ، ج 4 ص 397 .

صفحه 22

بدین جهت اهل قم همیشه مورد عنایات خاصّه ائمه معصومین (علیهم السلام) بودند و سخنان ارزشمندی را در بیان عظمت و فضیلت قم و اهل آن فرمودند که برگزیده ای از آنها را در اینجا ذکر می کنیم :

1 قال رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم) : « لَمَّا أُسْرِى بِي

إِلَى السَّمَاءِ حَمَلَنِي جِبْرِئِيلُ عَلَى كَتْفِهِ الْأَيْمَنِ فَنظَرْتُ إِلَى بُقْعَةٍ بِأَرْضِ الْجَبَلِ حَمْرَاءَ أَحْسَنُ لُونًا مِنَ الزَّعْفَرَانِ وَأَطْيَبُ رِيحًا مِنَ الْمِسْكِ ، فَادَا فِيهَا شَيْخٌ عَلَى رَأْسِهِ بُرْنَسٌ ، فَقُلْتُ لِحَبْرَائِيلَ : مَا هَذِهِ الْبُقْعَةُ الْحَمْرَاءُ الَّتِي هِيَ أَحْسَنُ لُونًا مِنَ الزَّعْفَرَانِ وَأَطْيَبُ رِيحًا مِنَ الْمِسْكِ ؟



قَالَ: بُعِثَهُ شِيعَتِكَ وَشِيعَهُ وَصِيَّكَ عَلِيٌّ. فَقُلْتُ: مَنْ الشَّيْخُ صَاحِبُ الْبُرْنَسِ؟

قَالَ: ابْلِيسُ. قُلْتُ: فَمَا يُرِيدُ مِنْهُمْ؟ قَالَ: يُرِيدُ أَنْ يَصُدَّهُمْ عَنْ وِلَايَةِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَيَدْعُوهُمْ إِلَى الْفِسْقِ وَالْفُجُورِ. فَقُلْتُ: يَا جِبْرِئِيلُ أَهْوَى بِنَا إِلَيْهِمْ، فَاهْوَى بِنَا إِلَيْهِمْ أَسْرَعُ مِنَ الْبَرْقِ الْخَاطِفِ وَالْبَصْرِ اللَّامِعِ.

فَقُلْتُ: قُمْ يَا مَلْعُونُ! فَشَارِكْ أَعْدَائَهُمْ فِي أَمْوَالِهِمْ وَأَوْلَادِهِمْ وَنِسَائِهِمْ، فَإِنَّ شِيعَتِي وَشِيعَةَ عَلِيٍّ لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ سُلْطَانٌ. فَسُمِّيَتْ قَوْمًا: (1)

پاورقی

1 گنجینه آثار قم، عباس فیض، ج 1، ص 88.

صفحه 23

رسول خدا(صلی الله علیه وآله وسلم) می فرماید: « هنگامی که خداوند مرا به آسمانها عروج داد، جبرئیل مرا بر شانه راستش حمل می کرد؛ در این هنگام به سرزمینی در « ارض جبل نگاه کردم که سرخ رنگ و خوش رنگتر از زعفران و خوشبوتر از مشک بود. ناگهان دیدم در آن سرزمین پیری قرار دارد که کلاه درازی بر سر نهاده است. از جبرئیل پرسیدم: این سرزمین سرخ رنگ و خوش رنگتر از زعفران و خوشبوتر از مشک کجاست؟ گفت: جایگاه شیعیان تو و شیعیان وصی تو علی(علیه السلام) است. گفتم: این پیرمرد کیست؟ گفت: ابلیس است. گفتم: از آنها

چه می خواهد؟ گفت: می خواهد تا آنان را از دوستی و ولایت امیر المؤمنین(علیه السلام) بازدارد و به نافرمانی و گناه دعوتشان کند.



گفتم: ای جبرئیل ما را به آن مکان ببر. با حرکتی سریع تر از برق ما را به آنجا رساند.

گفتم: ای ملعون برخیز و برو، و در اموال و اولاد و زنان دشمنان ایشان شرکت کن، زیرا، تو را بر شیعیان من و علی فرمانروایی نیست. «از این رو، آن مکان قم نامیده شد.»

2 قَالَ الْإِمَامُ الصَّادِقُ (عليه السلام): «أَنَا سُمِّيَ قُمَ لِأَنَّ أَهْلَهُ يَجْتَمِعُونَ مَعَ قَائِمِ آلِ مُحَمَّدٍ وَيَقُومُونَ مَعَهُ وَيَسْتَقِيمُونَ عَلَيْهِ وَيَنْصُرُونَهُ: (2)

امام صادق (عليه السلام) می فرماید: «قم را، قم نامیده اند زیرا اهل قم، با قائم آل محمد (عليه السلام) اجتماع می کنند و با آن حضرت (بر ضد طاغوتها) قیام می نمایند، و با کمال استقامت و استواری به یاری او می پردازند.»

3 قَالَ الْإِمَامُ الْكَاسِمُ (عليه السلام): «قُمُ عَشُّ آلِ مُحَمَّدٍ وَمَأْوَى شِيعَتِهِمْ: (3)

پاورقی

1 بحار، ج 60، ص 207.

2 همان، ص 216.

3 همان، ص 214.

صفحه 24

امام کاظم (عليه السلام) فرمود: «قم آشیانه آل محمد (صلی الله علیه وآله وسلم) و پناهگاه شیعیان آنهاست.»



4 قال الامام الرضا(عليه السلام): « انَّ لِلْجَنَّةِ ثَمَانِيَةَ اَبْوَابٍ ، وَلِاَهْلِ قُمْ وَاحِدٍ مِنْهَا ، فَطُوبَى لَهُمْ ، ثُمَّ طُوبَى لَهُمْ ، ثُمَّ طُوبَى لَهُمْ » : (1)

حضرت رضا(عليه السلام) می فرماید : « بهشت دارای هشت در است

، یکی از آنها برای قمی هاست . پس سه مرتبه فرمود : خوشا به حالشان » .

5 قال الامام الصادق(عليه السلام): « سَيَاتِي زَمَانٌ تَكُونُ بَلَدُهُ قُمْ وَاَهْلُهَا حُجَّةٌ عَلَيَّ الْخَلَائِقِ وَذَلِكَ فِي زَمَانٍ غَيْبِهِ قَائِمِنَا اِلَى ظُهُورِهِ » : (2)

امام صادق(عليه السلام) فرمود : « زمانی می آید که شهر قم و اهل آن حجت بر تمام مردم خواهند بود و این (موضوع) در زمان غیبت امام زمان(عليه السلام) می باشد تا ظهور آن حضرت » .

6 قال الامام الصادق(عليه السلام): « تُرِبُهُ قُمْ مُقَدَّسَةٌ وَاَهْلُهَا مِنَّا وَنَحْنُ مِنْهُمْ لَا يُرِيدُهُمْ جَبَّارٌ بِسُوءِ الْاَعْجَلَتْ عُقُوبَتُهُ مَا لَمْ يَخُونُوا اِخْوَانَهُمْ » : (3)

امام صادق(عليه السلام) فرمود : « تربت قم مقدس است و مردم قم از (شیعیان) ما هستند ، و ما هم از آنها هستیم ، هیچ ستمگری قصد بد ، به اهل قم نمی کند مگر اینکه در عذاب او تعجیل می شود تا وقتی که مردم به برادران (دینی) خود خیانت نکنند » .

7 قال الامام الصادق(عليه السلام): « مَحْشَرُ النَّاسِ كُلِّهِمْ اِلَى بَيْتِ الْمَقْدِسِ الْاَبْقَعَهُ بَارِضِ الْجَبَلِ يُقَالُ لَهَا : قُمْ فَاِنَّهُمْ يُحَاسِبُونَ فِي حُفْرِهِمْ وَيَحْشَرُونَ مِنْ حُفْرِهِمْ اِلَى الْجَنَّةِ » : (4)



امام صادق(علیه السلام) فرمود: « جایگاه حشر همه مردم به سوی بیت المقدس است ؛ مگر (مردم) سرزمینی از بلاد « جبل » که آن را « قم » گویند ، آنها در قبرهایشان (در همان سرزمین) به حسابشان رسیدگی می شود و از همانجا به سوی بهشت محشور خواهند شد »

پاورقی

1 بحار

، ج 60 ، ص 215 .

2 همان ، ص 213 .

3 همان ، ص 218 .

4 همان .

صفحه 25

8 عَنْ الْإِمَامِ الصَّادِقِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) : (أَنَّهُ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) أَشَارَ إِلَى عَيْسَى بْنِ عَبْدِ اللَّهِ (فَقَالَ : « سَلَامُ اللَّهِ عَلَى أَهْلِ قُمْ ، يُسْقَى اللَّهُ بِلَادَهُمُ الْغَيْثَ وَيَنْزِلُ اللَّهُ عَلَيْهِمُ الْبَرَكَاتِ وَيَبْدُلُ اللَّهُ سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ ، هُمْ أَهْلُ رُكُوعٍ وَسُجُودٍ وَقِيَامٍ وَقُعُودٍ ، هُمْ الْفُقَهَاءُ الْفُهَمَاءُ ، هُمْ أَهْلُ الدَّرَايَةِ وَالرُّوَايَةِ وَحُسْنِ الْعِبَادَةِ » : (1)

امام صادق(علیه السلام) (به عیسی بن عبد الله قمی اشاره کرد) و فرمود : « سلام خدا بر اهل قم ، خدا شهرهایشان را از باران رحمتش سیراب گرداند و برکاتش را بر آنان فرود آورد و



گناهانشان را به خوبیها و حسنات مبدل فرماید ، آنها اهل رکوع و سجود و قیام و قعودند .
آنان فقیه و دانشمند هستند . آنان اهل درک حقایق و روایت و عبادت نیکو می باشند .

9 قال أَبُو الصَّلْتِ الْهَرَوِيُّ كُنْتُ عِنْدَ الرُّضَا (عليه السلام) فَدَخَلَ عَلَيْهِ قَوْمٌ مِنْ أَهْلِ قُمْ فَسَلَّمُوا
عَلَيْهِ فَرَدَّ عَلَيْهِمْ وَقَرَّبَهُمْ . ثُمَّ قَالَ لَهُمْ : « مَرْحَبًا بِكُمْ وَأَهْلًا ! فَأَنْتُمْ شِيعَتُنَا حَقًّا » : (2)

اباصلت می گوید : خدمت امام رضا(علیه السلام) بودم ، گروهی از اهل قم بر ایشان وارد
شدند ، به امام سلام کردند . امام(علیه السلام) جواب سلامشان را داد و آنان را نزدیک خود
نشانده سپس فرمود : « مرحبا بر شما ، خوش آمدید ! شما شیعیان راستین ما هستید » .

10 قَالَ الْإِمَامُ الصَّادِقُ (عليه السلام) : سَتَخْلُو كُوفَهُ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَيَأْزُرُ عَنْهَا الْعِلْمُ كَمَا تَأْزُرُ
الْحَيَّةُ

فِي جُحْرِهَا ، ثُمَّ يَظْهَرُ الْعِلْمُ بِلَدِّهِ يُقَالُ لَهَا قُمْ ، وَيَصِيرُ مَعْدِنًا لِلْعِلْمِ وَالْفَضْلِ » : (3)

امام صادق(علیه السلام) فرمود : « کوفه بزودی از مؤمنان خالی می شود و علم از آن جمع
می شود

پاورقی

1 بحار ، ج 60 ، ص 217 .

2 همان ، ص 231 .

3 همان ، ص 213 .



همانطور که مار در لانه اش جمع می شود ، سپس علم و دانش در شهری که به آن « قم » می گویند ، ظاهر می شود و آنجا مرکز علم و فضیلت می گردد .

11 روى بَعْضُ أَصْحَابِنَا قَالَ : كُنْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) جَالِسًا إِذْ قَرَأَ هَذِهِ الْآيَةَ : « فَإِذَا جَاءَ وَعَدُ أُولِيهِمَا بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادًا لَنَا أُولَى بَأْسٍ شَدِيدٍ فَجَاسُوا خِلَالَ الدِّيَارِ وَكَانَ وَعْدًا مَفْعُولًا » (1) . فَقُلْنَا : جُعِلْنَا فِدَاكَ ، مَنْ هَؤُلَاءِ ؟ فَقَالَ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ : « هُمْ وَاللَّهِ أَهْلُ قُمْ » : (2)

یکی از اصحاب نقل کرده است : خدمت امام صادق (علیه السلام) نشسته بودم . امام (علیه السلام) این آیه را خواند : (فاذا جاء وعد اولیہما ...) : « هنگامی که نخستین وعده فرارسد مردانی پیکارجو را بر شما (بنی اسرائیل) فرستیم تا شما را سخت درهم کوبند تا بدانجا که برای بدست آوردن مجرمان خانه ها را جستجو کنند ، و این وعده قطعی الهی است .

پس ما گفتیم : فدای شما شویم ، این پیکارجویان الهی کیانند ؟ امام سه بار فرمود : « بخدا قسم آنان مردم قم خواهند بود » .

12 قَالَ الْإِمَامُ الْكَاسِمُ (عليه السلام) : « رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ

قُمْ يَدْعُو النَّاسَ إِلَى الْحَقِّ يَجْتَمِعُ مَعَهُ قَوْمٌ كَزُبْرِ الْحَدِيدِ ، لَا تَزِلُّهُمْ الرِّيَّاحُ الْعَوَاصِفُ وَلَا يَمْلُونُ مِنَ الْحَرْبِ وَلَا يَجْبُنُونَ وَعَلَى اللَّهِ يَتَوَكَّلُونَ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ » : (3)

امام کاظم (علیه السلام) فرمود : « مردی از قم ، مردم را بسوی حق دعوت می کند ، گروهی با او همراه می شوند که همانند پاره های آهن هستند ، تندبادهای حوادث آنان را نلغزاند ،



و از جنگ خسته نشوند و نترسند ، و بر خدا توکل کنند ، و عاقبت خیر برای پرهیزکاران خواهد بود .»

پاورقی

1 اسراء ، آیه 5 .

2 بحار ، ج 60 ، ص 216 .

3 همان .

صفحه 27

13 قَالَ الْأَمَامُ الصَّادِقُ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) : « إِنَّ اللَّهَ أَحْتَجُّ بِالْكَوْفَةِ عَلَى سَائِرِ الْبِلَادِ وَبِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَهْلِهَا عَلَى غَيْرِهِمْ مِنْ أَهْلِ الْبِلَادِ وَأَحْتَجُّ بِبَلَدِهِ قُمْ عَلَى سَائِرِ الْبِلَادِ وَبِأَهْلِهَا عَلَى جَمِيعِ أَهْلِ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ وَلَمْ يَدْعِ اللَّهَ قُمْ وَأَهْلِهَا مُسْتَضْعَفًا بَلْ وَقَقَهُمْ وَأَيْدَهُمْ » : (1)

امام صادق (علیه السلام) فرمود : « خداوند « کوفه » را بر سایر شهرها حجّت قرار داد و مردم با ایمان آن را برای مردم دیگر شهرها حجّت قرار داده ، و شهر قم را حجّت بر شهرهای دیگر و مردم آن را حجّت بر تمام مردم مشرق و مغرب (از جنّ و انس) قرار داد ، خداوند قم و مردم آن را رها نکرده تا مستضعف (فکری و فرهنگی) شوند بلکه آنان را موفق و تأیید کرده است .»

14 قَالَ الْأَمَامُ الصَّادِقُ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) : « إِنَّ اللَّهَ حَرَمًا وَهُوَ مَكَّةُ وَإِنَّ لِلرَّسُولِ حَرَمًا وَهُوَ الْمَدِينَةُ ، وَإِنَّ لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ حَرَمًا وَهُوَ



الْكُوفَةُ وَأَنَّ لَنَا حَرَمًا وَهُوَ قُمْ وَسُتَدْفَنُ فِيهَا امْرَأَةٌ مِنْ أَوْلَادِي تُسَمَّى فَاطِمَةَ ، فَمَنْ زَارَهَا وَجَبَتْ لَهُ الْجَنَّةُ . (قَالَ الرَّأْوِي : وَكَانَ هَذَا الْكَلَامُ مِنْهُ قَبْلَ أَنْ يُوَلَّدَ الْكَاطِمُ (عَلَيْهِ السَّلَام)) : (2)

امام صادق (علیه السلام) فرمود : « براستی برای خدا حرمی است و آن مگه است و برای رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) حرمی است و آن مدینه می باشد ، و برای امیر المؤمنین (علیه السلام) حرمی است و آن کوفه است ، و برای ما حرمی می باشد و آن شهر قم است . و در آینده ای نزدیک زنی از فرزندان من « به نام فاطمه » در آنجا دفن می شود ، کسی که او را زیارت کند بهشت بر او واجب می شود . »

راوی می گوید : این فرمایش حضرت زمانی بود که هنوز موسی بن جعفر (علیه السلام) به دنیا نیامده بود .

پاورقی

1 بحار ، ج 60 ، ص 213 .

2 همان ، ص 216 .

صفحه 28

علاوه بر این روایات ، ائمه معصومین (علیهم السلام) اهل قم و بعض بزرگان آنها را مورد عنایات خاصه خود قرار می دادند و برای آنان هدایا و خلعتی هایی مثل انگشتری و پارچه کفنی می فرستادند ، (1) و درباره بعضی از بزرگان آن دیار سخنان ارزنده ای فرمودند که به نمونه هایی از آنها اشاره می شود :



1 حضرت رضا(علیه السلام) به زکریا بن آدم ، که قصد بیرون رفتن از شهر قم را داشت فرمود : « از قم بیرون نرو همانا خداوند به خاطر تو بلا را از اهل قم دور می سازد همانطور که به وجود مبارک موسی بن جعفر(علیه

السلام) ، بلا را از اهل بغداد دور نمود ». (2)

2 امام صادق(علیه السلام) درباره عیسی بن عبدالله قمی فرمود : « تو از ما اهل بیتی » .

و باز حضرت فرمود : « عیسی بن عبدالله ، مردی است که زندگی و مرگ او با زندگی و مرگ ما هماهنگ بوده و گره خورده است ». (3)

3 امام صادق(علیه السلام) به عمران بن عبدالله قمی فرمود : « از خدا می خواهیم که تو را و خانواده ات را در روز قیامت (که هیچ سایه ای نیست) در زیر سایه « رحمت » خود قرار دهد ». (4)

پاورقی

1 سفینه البحار ، ج 2 ، ص 447 .

2 بحار ، ج 60 ، ص 217 .

3 معجم رجال الحدیث ، ج 13 ، ص 214 .

4 همان ، ص 158 .

صفحه 29



بخش دوم: اجمالی از زندگانی حضرت فاطمه معصومه (علیها السلام)

اشاره

صفحه 30

دل در کنار حرمش عطر و بوی مدینه استشمام می کند و گویی در مکه بین صفا و مروه به دیدار یار رفته است. بوی بهشت دل و جان هر زائری را شاداب و با نشاط می کند. در حرمش همیشه بهار است؛ بهار قرآن و دعا، بهار ذکر و صلوات، بهار یادآور شبهای قدر، بهار گلدسته های نیایش و نیاز و سیراب نمودن جانهای تشنه، هر مسافر خسته ای بعد از زیارت با خستگی بیگانه می شود. هر رهگذری با قدم نهادن در این حرم دیگر غریبه نیست؛ همه او را می شناسند، او آشنای دلهاست. اگر حرمش و گنبد و گلدسته های آن چشم را نوازش می دهد، محبت

و عشقش، نام و یادش، جانها و دلها را آرامش می بخشد. چرا که این حرم، حرم اهل بیت، مدفن یادگار رسول، نور چشم موسی بن جعفر (علیهما السلام)، آینه تمام نمای عفاف و پاکی، فاطمه ثانی است. او که خود دانش آموخته مکتب علوی و سرّی از اسرار خاندان نبوی بود که قبل از ولادت، صادق آل محمد (علیهم السلام) آمدنش را نوید داد. دختری از تبار زهرا (علیها السلام) و چون او حامی ولایت و امامت و چونان زینب، قافله سالاری شایسته. اگر فریاد زینب بنی امیه را رسوا کرد، فریاد فاطمه معصومه بنی عباس را؛ حرکت سیاسی الهی حضرت از مدینه به سوی مرو و خراسان حرکتی بود علیه طاغوت دوران، هر چند به زیارت برادر و امام زمانش نائل نشد ولی ابلاغ پیام کرد:



او با حرکت از مدینه به همراه عده ای از خاندان پیامبر و ارادتمندان اهل بیت (علیهم السلام) ثابت کرد که در همه اعصار قدرتهای مادی و طاغوتی در برابر پرورش یافتگان اسلام ناب کوچکند. چنانکه زینب سلام الله علیها بر یزید خروش آورد «اَنّی استصغرك»: «من به تو به دیده حقارت می نگرم»؛ این حرکت الهی، سیاسی گر چه ناتمام ماند و بالاخره دختر آفتاب در این سفر پر برکت خویش به دیدار حق شتافت و با مرگ شهادت گونه اش همه را سوگوار ساخت. اما دیری نپایید که همه شاهد ثمرات ارزشمند این سفر مبارک شدند. آنگاه که از این کوثر بی کران عترت، چشمه

های جوشان علوم و معارف جوشیدن گرفت و قم این حریم مقدس فاطمی مرکز نشر معارف حیاتبخش اسلامی گردید و محور قیامها و خیزش های دینی بر علیه ستم پیشگان روزگار. و سرانجام در قرن حاضر این حرم اهل بیت و قم همیشه بیدار بود که خاستگاه قیامی الهی به رهبری بزرگ تربیت یافته مکتب ولایت حضرت امام خمینی (رحمه الله) بر علیه ستمگران زمان گردید؛ که ثمره آن انقلاب عظیم، نظام مقدسی شد که نقطه امید مستضعفان و ملجأ و پناهگاه مظلومان عالم شد.

این همه می طلبد که مقام والای این بانوی بزرگ به همگان بویژه نسل جوان معرفی شود و ما مفتخریم که در این راستا اجمالی از زندگی و فضایل آن بزرگوار را در این بخش از کتاب جمع آوری نموده و به شیفتگان خاندان عصمت تقدیم می نماییم.



نام شریف آن بزرگوار فاطمه و القاب ایشان « معصومه » ، « کریمه اهل بیت » ، « سّتی » ، و « فاطمه کبری » است . پدرش حضرت موسی بن جعفر (علیه السلام) و مادرش نجمه خاتون مادر حضرت رضا (علیه السلام) است . (1)

از ولادت تا هجرت

آن حضرت اوّل ذی القعدة سال 173هـ . ق در مدینه منوره به دنیا آمد . و در سنّ 28 سالگی در روز دهم (2) یا دوازدهم (3) ربیع الثانی سال 201هـ . ق در شهر قم از دنیا رفت .

سفر مقدّس به شهر مقدّس

در سال 201هـ . ق ، یک سال پس از سفر تبعید گونه حضرت رضا (علیه السلام) به شهر « مرو » حضرت فاطمه معصومه (علیها السلام) همراه عدّه ای از برادران خود برای دیدار برادر و تجدید عهد با امام زمان خویش راهی دیار غربت شد . در طول راه به شهر ساوه رسیدند ، ولی در آنجا عدّه ای از مخالفین اهل بیت با مأموران حکومتی همراهی نموده و با همراهان حضرت به نبرد و جنگ پرداختند که عدّه ای از همراهان حضرت در این حادثه غم انگیز به شهادت رسیدند (1) . حضرت در حالی که از غم و حزن بسیار مریضه بود با احساس ناامنی در شهر ساوه فرمود : مرا به شهر قم ببرید ، زیرا از پدرم شنیدم که فرمود : « شهر قم مرکز شیعیان ما می باشد » ؛ (2) سپس حضرت به طرف قم حرکت نمود .

پاورقی

1 دلائل الامامه ، ص 309 .

2 وسیله المعصومیّه ، ص 65 به نقل از نزهه الابرار .



3 مستدرک سفینه البحار ، ج 8 ، ص 257 .

صفحه 33

بزرگان قم وقتی از این خبر مسرت بخش مطلع شدند به استقبال آن حضرت شتافتند و در حالی که « موسی بن الخزرج » بزرگ خاندان « اشعری » زمام شتر آن مکرمه را به دوش می کشید ؛ ایشان در میان شور و احساسات مردم قم وارد آن شهر مقدس شد

و در منزل شخصی « موسی بن الخزرج » اجلال نزول فرمود . (3)

آن بزرگوار هفده روز در شهر ولایت و امامت به سر برد و در این مدت مشغول عبادت و راز و نیاز با پروردگار متعال بود و واپسین روزهای عمر پر برکت خویش را با خضوع و خشوع در برابر ذات پاک الهی به پایان رساند .

غروب مهتاب در شهر ستارگان

سرانجام آن همه شوق و شور و شعف ، از اجلال نزول کواکب ولایت و توفیق زیارت بانویی از تبار فاطمه اطهر ، با افول نجمه آسمان عصمت و طهارت ، مبدل به دنیایی از حزن و اندوه شد ، و این غروب غم انگیز عاشقان امامت و ولایت را در سوک و عزا نشاناند .

پاورقی

1 زندگانی حضرت معصومه ، مهدی منصوری ، ص 14 (به نقل از ریاض الانساب ، تألیف ملک الکتاب شیرازی) .



2 دریای سخن ، سقازاده تبریزی ، نقل از ودیعه آل محمد ، محمد صادق انصاری ، ص 12

3 تاریخ قدیم قم ، ص 213.

صفحه 34

در رابطه با علّت مریضی نابهنگام حضرت و مرگ زودرس آن بزرگوار گفته شده است (1) که زنی در شهر ساوه ایشان را مسموم نمود که این مطلب با توجه به درگیری دشمنان اهل بیت با همراهان حضرت و شهادت عده ای از آنها « در ساوه » و جوّ نامساعد آن شهر و حرکت نابهنگام آن بزرگوار در حال مریضی به سوی شهر قم ، مطلبی قابل قبول می تواند باشد .

آری آن حضرت که می رفت زینبوار با سفر پربرکتش سند گویایی بر حقانیت امامت رهبران راستین و افشاگر چهره نفاق و

تزویر مأمونی باشد ، و همانند قهرمان کربلا پیام آور خون سرخ برادری باشد که این بار مزورانه به قتلگاه (بنی عباس) برده می شد ، ناگاه تقدیر الهی بر این شد که مرقد آن بزرگ حامی خط ولایت و امامت برای همیشه تاریخ ، فریادگر مبارزه با ظلم و بی عدالتی ستم پیشگان دوران و الهام بخش پیروان راستین تشیّع علوی در طول قرون و اعصار باشد .

مراسم دفن

بعد از وفات شفیع روز جزا آن حضرت را غسل داده و کفن نمودند ، سپس به سوی قبرستان « بابلان » تشیّع کردند ولی به هنگام دفن آن بزرگوار « به خاطر نبودن محرم » « آل سعد »



دچار مشکل شدند و سرانجام تصمیم گرفتند که پیرمردی به نام « قادر » این کار را انجام دهد .

پاورقی

1 وسیله المعصومیّه ، میرزا ابوطالب بیوک ، ص 68 . قیام سادات علوی ، علی اکبر تشید ، ص 168 .

صفحه 35

ولی قادر و حتی بزرگان و صلحاء شیعه قم هم ، لایق نبودند عهده دار این امر مهم شوند ؛ چرا که معصومه اهل بیت را باید امام معصوم به خاک سپارد .

مردم منتظر آمدن « آن پیرمرد صالح » بودند ، که ناگهان دو سواره را دیدند که از جانب ریگزار به سوی آنان می آیند وقتی نزدیک جنازه رسیدند ، پیاده شده و بر جنازه نماز خواندند و جسم پاک ریحانه رسول خدا را در داخل سردابی « که از قبل آماده شده بود » دفن کردند و بدون اینکه با کسی تکلمی نمایند ، سوار شده و رفتند ، و کسی هم آنها را نشناخت (1) .

به قول یکی از بزرگان هیچ بعید نیست که این دو بزرگوار ، امامان معصومی باشند که برای این امر مهمّ به قم آمدند . (2)



پس از به پایان رسیدن مراسم دفن ، موسی بن الخزرج سایبانی از حصیر و بوریا بر قبر شریف آن بزرگوار برافراشت و این سایبان برقرار بود تا زمانی که حضرت زینب دختر امام جواد(علیه السلام) وارد قم شد و قبّه ای آجری بر آن مرقد مطهر بنا کرد .(3)

و بدین سان تربت پاک آن بانوی بزرگ اسلام قبله گاه قلوب ارادتمندان به اهل بیت(علیهم السلام) و دارالشّفاى دلسوختگان عاشق ولایت و امامت شد .

پاورقی

1 تاریخ قدیم قم ، ص 214 .

2 آیه الله فاضل لنکرانی « دام ظلّه » .

3 سفینه البحار ، ج 2 ، ص 376 .

صفحه 36

بخش سوم : فضائل و مناقب حضرت فاطمه معصومه (علیها السلام)

اشاره

از آنجا که معرفت و شناخت ائمه طاهرین و اولیاء دین مبین ، همان شناخت فضائل و کمالات نفسانی آن بزرگواران است نه فقط آشنایی اجمالی با زندگینامه آنها ، در اینجا بعد از بیان اجمالی از زندگی کریمه اهل بیت(علیهم السلام) به ذکر شمه ای از فضائل و مناقب آن حضرت می پردازیم :

شرافت خانوادگی



یکی از عالیترین فضائل آن حضرت انتساب ایشان به بیت وحی و رسالت و امامت است .
 او « بنت رسول الله (صلی الله علیه و آله وسلم) » و « بنت ولیّ الله » و « اخت ولیّ الله » و « عمّه
 ولیّ الله » است و این امر خود سرچشمه سایر فضائل و کمالات معنوی و روحانی آن بزرگوار
 می باشد که زندگی در جوار امامان معصومی همچون « موسی بن جعفر » و « علی بن موسی
 الرضا » (علیهما السلام) و بهره مند بودن از تعالیم عالیه آن رهبران راه نور و سعادت ، خود
 عامل اساسی در تعالی روح و تکامل درجات علمی و عملی آن حضرت بوده است . بنابراین
 این می توان آن حضرت را الگو و نموداری از فضائل اهل بیت (علیهم السلام) دانست .

صفحه 39

عبادت آن حضرت

بنا به تصریح آیه کریمه قرآن ، هدف از خلقت انسان چیزی جز عبادت و بندگی خداوند
 متعال نیست که : « وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ » (1): « جن و انس را نیافریدم جز
 برای این که عبادتم کنند (و از این طریق تکامل یافته و به من نزدیک شوند) . آنان که
 به این هدف پی بردند در راه رسیدن به عالیترین مرتبه آن که حصول یقین و اطمینان و نفس
 مطمئنه شدن است . سر از پا نمی شناسند و بهترین ساعات زندگی خود را زمان عبادت و
 راز و نیاز به درگاه ذات بی نیاز می دانند و در خلوت شب سر بر آستان دوست می نهند و
 راز دل با محبوب خویش می گویند و عاشقانه با او

به گفتگو می نشینند و به این آرزو زنده اند که در حال نماز و راز و نیاز به ملاقات حق
 بشتابند و مخاطب حضرتش قرار گیرند که : « يَا أَيَّتُهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً



مَرْضِيَّةٌ (2): «ای روح آرامش یافته! به سوی پروردگارت برگرد در حالی که هم تو از او خشنودی و هم او از تو خشنود است.»

یکی از عالیتین نمونه های عبادت و بندگی خدا از خاندان ولایت و امامت، کریمه اهل بیت فاطمه معصومه (علیها السلام) است. او که عبادت و شب زنده داری هفده روزه اش در واپسین روزهای عمر شریفش، گوشه ای از یک عمر عبودیت و خضوع و خشوع آن زاده عبد صالح خدا در برابر ذات پاک الهی است و این بیت النور (1) و معبد و محراب به یادگار مانده آن صفیّه الله است که از برکات راز و نیازهای شبانه آن بضعه موسی (علیه السلام) تا دامنه قیامت هدایتگر و الهام بخش بندگان عاشق عبادت و ولایت می باشد و چه خوش سروده اند اهل ذوق که:

پاورقی

1 سوره مبارکه ذاریات، آیه 57.

2 سوره مبارکه فجر، آیه 27 28.

صفحه 40

این جایگاه که آنقدر منور است

این سجده گاه دختر موسی بن جعفر است

و بر سر در آن مکان مقدّس این دو بیت به چشم می خورد که:

شده بنیاد این کاخ منور



به پاس دختر موسی بن جعفر

عبادتگاه معصومه است اینجا

کز اینجا قم شرافت یافت دیگر (2)

عالمه و محدّثه اهلبیت (علیهم السلام)

در فرهنگ اسلامی محدّثان راستین همواره از حرمت و منزلت ویژه ای برخوردار بوده اند
; محدّثان

و راویان در حفظ و حراست از گنجینه های معارف و ارزش های دینی و ذخایر گرانمایه
مکتب تشیّع و رشد و تعالی فرهنگ غنی اسلامی نقش اوّل را داشته اند و حامل ودایع و
امانت های گرانقدر الهی و رازدار اسرار آل رسول بوده اند .

پاورقی

1 بیت النور ، همان حجره ای است که آن حضرت در مدّت اقامت هفده روزه اش در منزل
موسی بن الخزرج ، در آنجا مشغول عبادت بود که هم اکنون هم این حجره در میدان میر ،
خیابان چهارمردان و در کنار مدرسه سّیه برقرار است و مورد توجّه دوستداران اهل
بیت (علیهم السلام) می باشد .

2 فاطمه بنت موسی بن جعفر (علیه السلام) ، محمّد هادی الامینی ، ص 141 .



یکی از والاترین عناوینی که نشان دهنده بلندی مرتبه علم و آشنایی کریمه اهل بیت (علیهم السلام) با معارف بلند اسلام و مکتب حیاتبخش تشیع است؛ محدثه بودن آن حضرت می باشد که بزرگان علم حدیث احادیث و روایات رسیده از آن حضرت را در کتابهای خود نقل نموده اند، روایاتی که به خاطر داشتن مضمونی ولایی خود شاهد صدقی بر ولایت محوری بودن آن محدثه آل طه و عالمه آل محمد (صلی الله علیه وآله وسلم) می باشند که در جای خود این روایات ذکر خواهند شد.

او معصومه است

گر چه مقام عصمت از گناه و مصون بودن از لغزشها «در عین قدرت بر خطا» مقامی است خاص انبیاء عظام و اوصیاء آنان به ویژه چهارده معصوم پاک (علیهم السلام)؛ ولی بودند کسانی که به دلیل طاعت و بندگی مخلصانه پروردگار و اطاعت و پیروی کامل از رهروان راه پاکی و وارستگی به درجه ای از تقوی و طهارت روحی رسیدند که از معاصی و رذایل اخلاقی دور مانده و دامن روح و جان خویش را از ناپاکی ها زدودند.

فاطمه معصومه (علیها السلام) که خود پرورش یافته مکتب ائمه طاهرین (علیهم السلام) و یادگار صاحبان آیه تطهیر است، نمونه عالی از طهارت و پاکی است به گونه ای که خاص و عام او را بعنوان معصومه شناخته اند تا بدانجا که بعضی از بزرگان (1) ایشان را فردی برخوردار از طهارت ذاتی و تالی تلو معصومین (علیهم السلام) دانسته و حضرت رضا (علیه السلام) به ایشان لقب معصومه داده و فرمود: «مَنْ زَارَ الْمَعْصُومَةَ بِقَمِّ كَمَنْ زَارَنِي» (1)

پاورقی



1 آیه الله حسن زاده آملی ، در همایش بررسی شخصیت فاطمه معصومه (علیها السلام) ، دانشگاه قم.

صفحه 42

کسی که « فاطمه معصومه » را در قم زیارت کند مثل آن است که مرا زیارت کرده باشد .
و در یکی از فرازهای زیارت دوم حضرت آمده است که : « السَّلَامُ عَلَیْكَ اَیَّتَهَا الطَّاهِرَةُ
الْحَمِیدَةُ الْبَرَّةُ الرَّشِیدَةُ التَّقِیَّةُ النَّقِیَّةُ » : (2) « سلام بر تو ای بانوی پاک و ستایش شده ،
نیکو کردار و هدایت شده ، پرهیزگار و ارسته » .

کریمه اهل بیت (علیهم السلام)

انسان در اثر عبادت و بندگی خداوند متعال می تواند به جایی برسد که مظهر اراده حق و
واسطه فیض الهی گردد ؛ این ثمره عبودیت و اطاعت کامل از ذات اقدس الهی است چنانچه
خود در حدیث قدسی می فرماید : « یَابْنَ آدَمَ اَنَا اَقُولُ لِلشَّیْءِ کُنْ فِیکُونُ ، اَطِعی فیما اَمَرْتُکَ
اَجْعَلُکَ تَقُولُ لِلشَّیْءِ کُنْ فِیکُونُ » : (3) « فرزند

آدم ... مرا اطاعت کن تا تو را چنان نمایم که (به عنایت من) هر آنچه را اراده کنی همان
شود » .

امام صادق (علیه السلام) هم می فرماید : « الْعُبُودِیَّةُ جَوْهَرَةٌ کُنْهَهَا الرَّبُوبِیَّةُ » : (4) « بندگی
خداوند گوهری است که نهایت و باطن آن فرمانروایی بر موجودات است » .

پاورقی



1 ناسخ التواریخ ، ج 7 ، ص 337.

2 انوار المشعشعین ، شیخ محمدعلی قمی ، ص 211.

3 مستدرک الوسائل ، ج 2 ، ص 298.

4 مصباح الشریعه ، باب 100 .

صفحه 43

اولیاء خداوند متعال که در راه بندگی و اطاعت گوی سبقت را از دیگران ربوده و این راه را خالصانه پیموده اند هم در زندگی پربرکت خویش و هم بعد از آن ، منشأ کرامات و عنایاتی بوده اند که آثار یک عمر اخلاص و وارستگی آنها است .

و از دیرزمان آستان قدس فاطمی منشأ هزاران کرامت و عنایت ربّانی بوده است و چه قلب های ناامیدی که سرشار از امید به فضل و کرم الهی و چه دست های تهی که سرشار از رحمت ربوبی و چه انسانهای بریده از همه جا و ناامید از همه کس که با دلی شاد و روحی پیوسته به ابدیت از درگاه پرفیض و کرم این کریمه اهل بیت (علیهم السلام) برگشته و برای خود زندگی بر اساس ایمانی مستحکم به ولای اولیاء حق ، بنا نهادند .

این ها همه ، نشانه بزرگی و عظمت روح آن بنده شایسته و پیوسته به منبع فیض و کرم بی پایان خدای فیاض و کریم است . « نمونه هایی از کرامات آن بزرگوار به

زودی ذکر خواهد شد » .

مقام شفاعت آن حضرت



شکلی نیست که داشتن حق شفاعت و رسیدن به این مقام عظیم، شایستگی لازم را می طلبد چرا که خداوند شفاعت کسانی را می پذیرد که مأذون و مجاز از طرف او باشند « یَوْمَئِذٍ لَا تَنْفَعُ الشَّفَاعَةُ إِلَّا مَنْ أَذِنَ لَهُ الرَّحْمَنُ »: (1) « روز قیامت شفاعت کسی فایده نبخشد جز آن که خدا اجازه شفاعتش داده باشد ». و این اذن به کسانی داده می شود که به مرتبه عالی از قرب الهی و بندگی خالصانه پروردگار رسیده باشند که در رأس آنها انبیاء و ائمه معصومین (علیهم السلام) هستند و بعد از آنها این بندگان خالص حق و اولیاء مقرب درگاه خدایند که هر کدام در حدّ مقام و درجه معنوی خویش حق شفاعت دارند « از علماء و شهداء و فرزندان شایسته امامان معصوم (علیهم السلام) » .

پاورقی

1 طه ، آیه 109 .

صفحه 44

از جمله کسانی که به شفیعه بودنش در روایات و آثار دینی تصریح شده است ، فاطمه معصومه (علیها السلام) است :

امام صادق (علیه السلام) می فرماید : « تَدْخُلُ بِشَفَاعَتِهَا شِيعَتِي الْجَنَّةَ بِاجْمَعِهِمْ »: (1) « به شفاعت او (فاطمه معصومه) همه شیعیانم وارد بهشت خواهند شد » .

و در زیارت آن حضرت به « دستور امام معصوم (علیه السلام) » گفته می شود که : « يَا فَاطِمَةُ اشْفَعِي لِي فِي الْجَنَّةِ » : « ای فاطمه معصومه ! برای من نزد خدا درباره بهشت شفاعت کن »



. و این خود نشان دهنده شأن و مقام بسیار عظیم آن شفیعه روز جزا است چنانچه در فراز دیگری از زیارت مخصوص آمده است

که : « فَاِنَّ لَكَ عِنْدَ اللَّهِ شَأْنًا مِنَ الشَّأْنِ » . (2) یعنی : این که ما از تو طلب شفاعت می نمایم به خاطر این است که تو در محضر الهی شأن و منزلت وصف ناپذیر داری ، که بر خاک نشینان این عالم قابل تصوّر نیست و تنها خدا و پیامبر و اوصیاء طاهرینش بر آن واقفند .

پاورقی

1 سفینه البحار، ج 2، ص 376.

2 بحار ، ج 102 ، ص 266 .

صفحه 45

فضیلت زیارت حضرت

روایات درباره فضیلت زیارت آن بانوی برگزیده اسلام بهترین سند در رابطه با فضایل آن بزرگوار است ، که امامان معصوم پیروان خود را تشویق و توصیه به زیارت مرقد نورانی ایشان فرمودند و پاداش عظیمی برای آن بیان کردند که چنین پاداشی در باب زیارت اولاد موسی بن جعفر (علیه السلام) بعد از حضرت رضا (علیه السلام) بی سابقه است ؛ ما در اینجا چند روایت را ذکر می کنیم :

1 امام رضا (علیه السلام) فرمود : « مَنْ زَارَهَا فَلَهُ الْجَنَّةُ » : (1) « کسی که (فاطمه معصومه) را زیارت کند سزاوار بهشت خواهد بود » .



2 امام جواد(علیه السلام) فرمود: « مَنْ زَارَ قَبْرَ عَمَّتِي بِقَمٍّ فَلَهُ الْجَنَّةُ »: (2) « کسی که قبر عمه ام را در قم زیارت کند سزاوار بهشت است » .

3 امام رضا(علیه السلام) فرمود: « مَنْ زَارَهَا عَارِفًا بِحَقِّهَا فَلَهُ الْجَنَّةُ »: (3) « کسی که (فاطمه معصومه) را زیارت کند (در حالی که معرفت به حق او داشته باشد) پاداش او بهشت است» .

4 امام صادق(علیه السلام) فرمود: « اِنَّ لِلّٰهِ حَرَمًا وَهُوَ

مَكَّةُ وَلِلرَّسُولِ حَرَمًا وَهُوَ الْمَدِينَةُ ، وَلِامِيرِ الْمُؤْمِنِينَ حَرَمًا وَهُوَ الْكُوفَةُ وَلَنَا حَرَمًا وَهُوَ قَمٌّ وَسَتُدْفَنُ فِيهَا امْرَأَةٌ مِنْ وُلْدِي تُسَمَّى فَاطِمَةَ ، مَنْ زَارَهَا وَجَبَتْ لَهُ الْجَنَّةُ »: (1) « برای خدا حرمی است و آن مکه است و برای رسول خدا(صلی الله علیه و آله وسلم) حرمی است و آن مدینه می باشد و برای امیرالمؤمنین(علیه السلام) حرمی است و آن کوفه است و برای ما حرمی است و آن شهر قم می باشد و بزودی زنی از فرزندان من در آنجا دفن خواهد شد که نامش (فاطمه) است ؛ هر کس او را زیارت کند بهشت بر او واجب خواهد شد » .

پاورقی

1 بحار ، ج 102 ، ص 265 .

2 همان .

3 همان ، ص 266 .

صفحه 46



این روایت با توجه به اینکه قبل از ولادت موسی بن جعفر (علیه السلام) از امام صادق (علیه السلام) صادر شده است دلیل بسیار روشنی است بر اینکه آمدن حضرت فاطمه معصومه به قم و دفن آن بزرگوار در حرم اهل بیت جزء اسرار غیبی بوده و تحقق آن خود دلیل روشنی بر حقیقت مکتب امامان معصوم (علیهم السلام) می باشد .

پاورقی

1 همان ، ص 267 .

صفحه 47

بخش چهارم : روایاتی از حضرت فاطمه معصومه (علیها السلام)

اشاره

قال رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم) :

« اِنِّى تَارِكٌ فِىكُمْ الثَّقَلَيْنِ اَمَّا اِنْ تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا لَنْ تَضِلُّوا كِتَابَ اللّهِ وَعِثْرَتِى ... » (1).

پیامبر اسلام در واپسین روزهای عمر خویش در حالی که امواج سهمگین فتنه و نفاق را فرا روی امت اسلامی نظاره می کرد و نگران آینده جامعه اسلامی بود با ابلاغ پیامی هدایتگر پرده های فریب و نفاق را کنار زد و کشتی نجات را به گاه هجوم امواج فتنه ها معرفی فرمود و ساحل نجات را بر همگان ارائه نمود .



آخرین پیام حضرت چیزی جز همان حدیث ثقلین نبود؛ که در آن هدایت رهروان خویش را در گرو تمسک به قرآن و عترت قرارداد و آن دو را تنها محور اساسی شریعت و یگانه عامل بقای دیانت دانست.

این همه نبود جز برای این که راه دست یابی به احکام و معارف نورانی قرآن کریم روشن شود و راه ورود بدعت ها و اندیشه های شیطانی دنیا پرستان در متن دین مسدود گردد. چرا که این معارف قرآنی برگرفته از عارفان راستین حقایق دینی است که جامعه دینی را از سرچشمه حیاتبخش آن کتاب انسان ساز سیراب و منافقان و دین سازان طول تاریخ را از رسیدن به اهداف شوم خود محروم می سازد.

پاورقی

1 بحار، ج 23، ص 141.

صفحه 49

با این همه، شب پرستان روزگار نبوی بعد از رحلت رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) به همراهی و همآوایی مردمانی سست باور، ندای شوم «حسبنا کتاب الله» سردادند و از همراهی قرآن و عترت جلوگیری کردند و در راه نیل به اهداف شیطانی ایشان چه سخنان نورانی نبوی که سوخته شد و چه دُرهای گرانبهایی که ناگفته در سینه ها ماند و چه فریادگران حدیث نور که از جور زمانه لب فرو بسته و از دیار وحی رانده شده و در صحرای غربت جان سپردند. زبان بریده میثم بر دار رفته و پیکر بی دست و پای رشید هجری و تن تفتیده ابوذر در غربت آباد ربذه خود گواه بی نهایت ستمی است



که در حقّ اهل بیت و پیروان راستینش روا داشتند .

اما در این دوران غمبارِ غربتِ عترت هم ، منادیان حقّ و راویان آگاه شیعه از پای ننشسته و چوبه دار بر دوش سخنان نورانی و فضایل اهل بیت را ترویج می نمودند . تا آن که دوران جدایی قرآن و عترت به سر آمد و هر کدام جایگاه حقیقی خویش را یافت و برای حاملان راستین وحی الهی فرصتی فراهم آمد و در عصر صادقین (علیهما السلام) سرچشمه فیاض علوم اهل بیت جوشیدن گرفت و تشنگان معارف الهی از آب زلال کوثرِ قرآن و عترت سیراب گردیدند .

از آن دوران ، تربیت یافتگان مکتب امامت بر ثبت و نشر سخنان دربار خاندان رسالت همّت گماشتند و با ترویج آثار ارزشمند امامان معصوم (علیهم السلام) مبانی اعتقادی جامعه و پایگاه ارزشهای دینی را تحکیم بخشیدند ، و در طول قرون و اعصار هویت دینی امت مسلمان را حفظ و از شریعت نبوی و مکتب علوی پاسداری نمودند .

صفحه 50

که از جمله این پاسداران امین گنجینه های گرانقدر ولایت و امامت محدثه آل طه حضرت فاطمه معصومه (علیها السلام) است که چندین روایت را درباره ولایت نقل فرموده است که به بیان آنها می پردازیم :

حدیث غدیر و منزلت

1 . . . عَنْ فَاطِمَةَ بِنْتِ عَلِيٍّ بْنِ مُوسَى الرِّضَا ، حَدَّثَتْنِي فَاطِمَةُ وَزَيْنَبُ وَأُمُّ كَلْثُومُ بَنَاتُ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ (علیه السلام) قُلْنَ حَدَّثَنَا فَاطِمَةُ بِنْتُ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الصَّادِقِ ، حَدَّثَتْنِي فَاطِمَةُ بِنْتُ



مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ ، حَدَّثَنِي فَاطِمَةُ بِنْتُ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ ، حَدَّثَنِي فَاطِمَةُ وَسَكِينَةُ ابْنَتَا الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أُمِّ كَلْثُومِ بِنْتِ فَاطِمَةَ بِنْتِ النَّبِيِّ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ

وآله وسلم) عَنْ فَاطِمَةَ بِنْتِ رَسُولِ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) . . . قَالَتْ : « أَنْسَيْتُمْ قَوْلَ رَسُولِ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) يَوْمَ غَدِيرِ خُمٍّ : « مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلِيٌّ مَوْلَاهُ » . وَقَوْلُهُ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) : « أَنْتَ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى » : (1) « فَاطِمَةُ دَخْتَرَانِ حَضْرَتِ رِضَا نَقَلَ مِی كَنْدَاز فَاطِمَةَ (مَعْصُومَةَ عَلَیْهَا السَّلَامُ)) وَزَیْنَبَ وَ أُمَّ كَلْثُومَ (دَخْتَرَانِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ)) وَ آئِنهَا از فَاطِمَةَ (دَخْتَرِ اِمَامِ صَادِقِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ)) وَ او از فَاطِمَةَ (دَخْتَرِ اِمَامِ بَاقِرِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ)) وَ آئشان از فَاطِمَةَ (دَخْتَرِ اِمَامِ سَجَّادِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ)) وَ او از فَاطِمَةَ وَ سَكِينَةَ (دَخْتَرَانِ اِمَامِ حُسَيْنِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ)) وَ آئِنهَا از اُمِّ كَلْثُومِ (دَخْتَرِ فَاطِمَةَ زَهْرَاءِ (عَلَيْهَا السَّلَامُ)) وَ او از فَاطِمَةَ زَهْرَاءِ (عَلَيْهَا السَّلَامُ) نَقَلَ مِی كَنْدَ كِه آن حَضْرَتِ (بِهَ مَرْدَمِ) فَرَمُودَ : « آيَا فَرَامُوشِ كَرْدِيدِ فَرَمَائِشِ رَسُولِ خَدَا (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) رَا « دَرِ رُوزِ غَدِيرِ » ؟ كِه (بِهَ شَمَا) فَرَمُودَ : هَر كَسِ مِنْ مَوْلَى (وَ رَهْبَرِ) اَوِيْمِ پَسِ عَلِيٍّ (بَعْدَ از مِنْ مَوْلَى (وَ رَهْبَرِ) اوست . وَ آيَا فَرَامُوشِ كَرْدِيدِ اَيْنِ فَرَمَائِشِ حَضْرَتِ رَا ؟ كِه فَرَمُودَ : (يَا عَلِيٍّ) نَسَبَتِ تُو بِهَ مِنْ هَمَانْدِ نَسَبَتِ هَارُونَ بِهَ مُوسَى (عَلَيْهِ السَّلَامُ) اسْتِ » . (يَعْنِي : تُو يِی وَصِيٌّ وَ جَانَشِينِ مِنْ) .

پاورقی

1 الغدير ، ج 1 ، ص 196 .

صفحه 51

حدیث دوستی آل محمد (علیهم السلام)



2 حضرت فاطمه معصومه (علیها السلام) از فاطمه دختر امام صادق (علیه السلام) و

او از فاطمه دختر امام باقر (علیه السلام) و او از فاطمه دختر امام سجّاد (علیه السلام) و او از فاطمه دختر امام حسین (علیه السلام) و او از زینب دختر امیرالمؤمنین (علیه السلام) و او از فاطمه زهراء (علیها السلام) نقل می کند که رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود: « أَلَا مَنْ مَاتَ عَلَيَّ حُبًّا أَلِ مُحَمَّدٍ مَاتَ شَهِيدًا »: (1) « بدانید که هر کس با محبت آل محمد بمیرد، شهید مرده است ».

مقام و منزلت امام علی (علیه السلام) و شیعیان آن حضرت

3 فاطمه معصومه (علیها السلام) (به همان سند روایت اول) نقل می کند از فاطمه زهراء (علیها السلام) که پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود: « در شب معراج، داخل بهشت شدم، آنجا قصری دیدم از درّ میان خالی، که دارای دری بود آراسته به درّ و یاقوت و بر آن در پرده ای آویخته بود؛ من سرم را بلند کردم، دیدم بر آن نوشته شده است: « لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ، عَلِيُّ وَوَلِيُّ الْقَوْمِ »: « خدایی جز خدای یکتا نیست؛ محمد فرستاده خدا است؛ علی ولیّ (و رهبر) مردم است ».

پاورقی

1 آثار الحجّه، محمد رازی، ص 9، به نقل از اللؤلؤه الثمینه، ص 217.



و بر پرده نوشته بود: « بَخُّ ، بَخُّ ، مَنْ مِثْلُ شِيعَةِ عَلِيٍّ ؟ » : « به ، به ، کیست مانند شیعه علی (علیه السلام) ؟ » ؛ داخل آن قصر شدم ، در آنجا قصری از عقیق سرخ میان خالی دیدم که دری داشت از نقره که

به « زبرجد » سبز مزین بود و بر آن در نیز پرده ای آویخته بود ، به بالا نگاه کردم ، دیدم بر آن در نوشته شده : « مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ ، عَلِيُّ وَصِيُّ الْمُصْطَفَى » : « محمد رسول خداست ، علی جانشین « محمد » مصطفی است » . و بر پرده نوشته شده بود : « بَشْرٌ شِيعَةٌ عَلِيٌّ بِطَيْبِ الْمَوْلِدِ . . . » . « بشارت بده شیعیان علی را به (حلال زادگی) » ؛ داخل آن قصر شدم ، قصری از زبرجد سبز میان خالی دیدم که بهتر از آن ندیده بودم ؛ این قصر دری داشت از یاقوت سرخ که آراسته به لؤلؤ بود و بر آن در پرده ای آویخته بود ؛ سرم را بلند کردم ، دیدم بر پرده نوشته شده : « شِيعَةٌ عَلِيٌّ هُمُ الْفَائِزُونَ » . « تنها شیعیان علی رستگارانند » . گفتم : ای جبرئیل این قصر برای کیست ؟ گفت : برای پسر عمو و جانشین تو علی بن ابی طالب است و همه مردم در روز قیامت عریان و پابرهنه محشور می شوند مگر شیعیان علی . . . » (1)

قم دیار ابرار

4 حضرت معصومه (علیها السلام) وقتی در ساوه مریض شد به همراهانش فرمود : مرا به قم ببرید زیرا از پدرم شنیدم که فرمود : « قم مرکز شیعیان ما می باشد » . (2)

پاورقی



2 ودیعه آل محمد ، ص 12 ؛ به نقل از : دریای سخن ، سقازاده تبریزی .

صفحه 53

صفحه 54

بخش پنجم : کرامات کریمه اهل بیت (علیهم السلام)

کرامات کریمه اهل بیت (علیهم السلام)

از آنجا که فاطمه معصومه (علیها السلام) از خاندانی است که در زیارت جامعه خطاب به ایشان آمده است : « عَادَتُكُمْ الْإِحْسَانُ وَسَجِيَّتُكُمْ الْكَرَمُ » (1) کرامات و عنایات آستان مقدّسش فراوان و شامل حال خاص و عام بوده است : از بزرگانی همچون ملّا صدرا و آیه الله بروجردی گرفته تا آن مسلمان عاشقی که از دور افتاده ترین کشور اسلامی به عشق زیارت و به امید عنایت به حریم قدس او راه یافته ، همگی را مورد لطف و عنایت کریمانه خود قرار داده است ؛ ولی با کمال تأسف این کرامات تا کنون ثبت و ضبط نشده است ، ما هم نمونه هایی برگزیده از کرامات آن حضرت را در اینجا می آوریم ؛ به امید آن که مجموع کرامات آن حضرت در اثری مستقل گردآوری شود .

کراماتی به نقل از آیه الله العظمی اراکی (رحمه الله)

* ایشان درباره خودشان فرمودند : « دستم ورم می کرد و پوست آن ترک برمی داشت به طوری که نمی توانستم وضو بگیرم و ناچار بودم برای نماز تیمم کنم و معالجات هم بی اثر بود تا اینکه به حضرت معصومه (علیها السلام) متوسل شدم و به من الهام شد که دستکش بدست کنم ، همین کار را کردم ؛ دستم خوب شد » .



پاورقی

1 بحار، ج 102، ص 132.

صفحه 55

* ایشان فرمودند: « آقا حسن احتشام (فرزند مرحوم سید جعفر احتشام که هر دو از منبری های قم بودند) نقل می کرد از آ شیخ ابراهیم صاحب الزمانی تبریزی (که مرد با اخلاصی بود) که من شبی در خواب دیدم بحرم مشرف شدم خواستم وارد شوم گفتند حرم قرق

است برای اینکه فاطمه زهرا(علیها السلام) و حضرت معصومه(علیها السلام) در سر ضریح خلوت کرده اند و کسی را راه نمی دهند. من گفتم: مادرم سیده است و من محرم هستم، به من اجازه دادند، رفتم دیدم که بله این دو نشسته اند و در بالای ضریح با هم صحبت می کنند از جمله صحبت ها این بود که حضرت معصومه(علیها السلام) به حضرت زهرا(علیها السلام) عرض کرد: حاج سید جعفر احتشام برای من مدحی گفته است و ظاهراً آن مدح را برای حضرت می خواند.

آ شیخ ابراهیم این خواب را در جلسه دوره ای اهل منبر که حاج سید جعفر احتشام هم در آن حضور داشت نقل می کند؛ حاج احتشام می گوید: از آن شعرها چیزی یادت هست؟ گفت: بله در آخر آن شعر داشت (دخت موسی بن جعفر) تا این را گفت، حاج احتشام شروع کرد بگریه کردن و گفت: بله توی اشعار من این کلمه است ». (1)

« حاج سید جعفر احتشام منبری با حالی بود و موقع روضه خواندن خودش هم گریه می کرد و بگآء بود و بسیار گریه می کرد ».



پاورقی

1 سروده ایشان در بخش اشعار ، خواهد آمد .

صفحه 56

آقا حسن احتشام فرزند ایشان می گوید: « به ایشان گفتیم شما در آخر شعرتان یک تخلصی داشته باشید مانند سایر شعرا » ، قبول نکرد تا با اصرار این شعر را گفت :

ای فاطمه بجان عزیز برادرت

بر احتشام لطف نما قصر اخضری

ایشان گفت : « قصر اخضر را لطف کردند »

. گفتم : « چطور ؟ » گفت : « همانجا که آقای مرعشی (رحمه الله) سجاده می انداختند ، آنجا را گج کاری کردند و سنگ مرمر سبز رنگ قراردادند ، و قبر حاج احتشام در همان قسمت از مسجد بالاسر است این بود قصر اخضری که به ایشان عطا شد » .

* آقای حاج شیخ حسن علی تهرانی (رحمه الله) (جدّ مادری آقای مروارید) که از علماء بزرگ و شاگردان فاضل میرزای شیرازی محسوب می شدند و حدود 50 سال در نجف به تحصیل علوم اشتغال داشتند ، ایشان برادری داشت بنام حاج حسین علی شال فروش که از تجار بازار بوده در تمام مدّتی که حاج شیخ مشغول تحصیل بودند ایشان ماهی 50 تومان به او شهریه می داد تا اینکه برادر تاجر فوت می کند و جنازه او را به قم حمل می کنند و در آنجا دفن می نمایند .



حاج شیخ حسن علی (که در اواخر عمر در مشهد ساکن بودند) تلگرافی از فوت برادر مطلع می شود ، به حرم مشرف شده و به حضرت رضا عرض می کنند : « من خدمت برادرم را یکبار هم نتوانستم جبران نمایم جز همین که بیایم اینجا و از شما خواهش کنم که به خواهرتان حضرت معصومه (علیها السلام) سفارش ایشان را بفرمایید : تا کمک کاری ، بکند از برادرم » .

همان شب یکی از تجار که از قضیه اطلاع نداشت خواب می بیند که به حرم حضرت معصومه (علیها السلام) مشرف شده و آنجا می گویند : که حضرت رضا (رضی الله عنه) هم به قم تشریف آوردند : یکی

جهت زیارت خواهرشان ، و یکی جهت سفارش برادر حاج شیخ حسنعلی به حضرت معصومه (علیها السلام) .

او معنای خواب را نمی فهمد و آن را با حاج شیخ حسنعلی در میان می گذارد و ایشان می فرمایند: «همان شب که شما خواب دیدی من (در رابطه با برادرم) به حضرت رضا متوسل شدم و این خواب شما درست است » .

صفحه 57

« مرحوم آقا سید محمدتقی خوانساری پس از شنیدن این خواب فرمود : از این خواب استفاده می شود که قم در حریم حضرت معصومه (علیها السلام) است ؛ باید حضرت امام رضا (علیه السلام) به قم تشریف فرما شوند و سفارش برادر حاج شیخ حسنعلی را به حضرت بفرمایند و الا خود حضرت امام رضا (علیه السلام) مستقیماً در کار مداخله نمی کند چون این در محدوده حضرت معصومه است و مداخله در این محیط نمی شود » . (1)



جلال و جبروت فاطمه زهرا (علیها السلام)

آقای شیخ عبدالله موسیانی (2) نقل فرمودند به این که حضرت آیه الله مرعشی نجفی به طلاب می فرمود: «علت آمدن من به قم این بود که پدر آسید محمود مرعشی نجفی (که از زهاد و عبّاد معروف بود) چهل شب در حرم حضرت امیر(علیه السلام) بیتوته نمود که آن حضرت را ببیند ، شبی در (حال مکاشفه) حضرت را دیده بود که به ایشان می فرماید : سید محمود چه می خواهی ؟ عرض می کند : می خواهم بدانم قبر فاطمه زهراء(علیها السلام) کجاست ؟ تا آن را زیارت کنم

پاورقی

1 ضبط صوتی ، تصویری این کرامات به نقل آیه الله اراکی در واحد فرهنگی آستانه موجود است .

2 ایشان از

شاگردان آیه الله مرعشی(قدس سره) بودند .

صفحه 58

حضرت فرموده بود : من که نمی توانم « بر خلاف وصیت آن حضرت » ، قبر او را معلوم کنم .

عرض کرد : پس من هنگام زیارت چکنم ؟ حضرت فرمود : خدا جلال و جبروت حضرت فاطمه(علیها السلام) را به فاطمه معصومه(علیها السلام) عنایت فرموده است ، هر کس



بخواهد ثواب زیارت حضرت زهرا(علیها السلام) را درک کند به زیارت فاطمه معصومه(علیها السلام) برود .

آیه الله مرعشی می فرمودند : پدرم مرا سفارش می کرد که من قادر به زیارت ایشان نیستم اما تو به زیارت آن حضرت برو ، لذا من به خاطر همین سفارش ، برای زیارت فاطمه معصومه(علیها السلام) و ثامن الأئمة(علیهم السلام) آمدم و به اصرار مؤسس حوزه علمیه قم ، حضرت آیه الله حائری در قم ماندگار شدم .

آیه الله مرعشی در آن زمان می فرمودند : « شصت سال است که هر روز من اول زائر حضرتم . »

عنایت حضرت به زوار مرقدش

آقای شیخ عبدالله موسیانی نقل کردند از حضرت آیه الله مرعشی نجفی : « که شب زمستانی بود که من دچار بی خوابی شدم ؛ خواستم حرم بروم ، دیدم بی موقع است ، آمدم خوابیدم و دست خود را زیر سرم گذاشتم که اگر خوابم برد خواب نمانم ، در عالم خواب دیدم خانمی وارد اطاق شد « که قیافه او را به خوبی دیدم ولی آن را توصیف نمی کنم » به من فرمود : سید شهاب ! بلند شو و به حرم برو ؛ عده ای از زوار من پشت در حرم از سرما هلاک می شوند ، آنها را

نجات بده

صفحه 59



ایشان می فرمایند : من به طرف حرم راه افتادم ، دیدم پشت در شمالی حرم (طرف میدان آستانه) عدّه ای زوّار اهل پاکستان یا هندوستان (با آن لباسهای مخصوص خودشان) در اثر سردی هوا پشت در حرم دارند به خود می لرزند ، در را زدم ، حاج آقا حبیب (که جزء خدّام حضرت بود) با اصرار من در را باز کرد ، من از مقابل و آنها هم پشت سر من وارد حرم شدند و در کنار ضریح آن حضرت به زیارت و عرض ادب پرداختند ؛ من هم آب خواستم و برای نماز شب و تهجّد وضو ساختم .

عنایت حضرت به زائر برادر

آقای شیخ عبدالله موسیانی نقل می کند : « که ما عازم مشهد مقدّس بودیم در حالی که در آنجا به جهت جمعیت زیاد زوّار ، منزل به سختی پیدا می شد . من با اطلاع از این جهت به حرم حضرت معصومه (علیها السلام) مشرّف شدم و خیلی خودمانی گفتم : بی بی جان ما عازم زیارت برادر شما مییم ، خودتان عنایتی بفرمائید . ما عازم مشهد شدیم ، دیدیم منزل بسیار کمیاب است نزدیک حرم از تا کسی پیاده شدیم ، ناگهان دیدم جوانی از داخل کوچه به طرف من آمد و به من گفت : منزل می خواهید ؟ گفتم : بله ، گفت دنبال من بیا ، با او رفتم مرا داخل خانه اش برد ، اطاق بزرگ و خوبی را به ما داد ، ما وقتی در آنجا مشغول جابجایی وسایل بودیم ، خانم ایشان ما را برای نهار دعوت کرد ، بعد

از تشرّف به حرم و زیارت و نماز ، نهار را با آنها خوردیم .



صبح روز بعد ، خانم از ما سؤال کرد : شما چند روز در اینجا هستید ؟ گفتم ده روز . گفت ما به تهران می رویم ، این کلید خانه ، هر وقت که خواستید بروید ، کلید را بدهید به همسایه ما آقای رضوی (یا رضوانی) .

گفتم کرایه منزل چه می شود ؟ گفت ما صحبت آن را کرده ایم .

ما خیال کردیم مقصود ایشان صحبت درباره کرایه است با آقای که بنا شد کلید را به او بدهیم .

چند روزی گذشت کسی آمد در خانه و گفت : من رضوی (یا رضوانی) هستم ، شما هر وقت که خواستید به قم بروید ، کلید را پشت آینه داخل اطاق بگذارید و در منزل را ببندید و بروید .

گفتم : کرایه چه می شود ؟ گفت درباره کرایه با من صحبتی نکردند .

ده روز ما تمام شد ، خواستیم برگردیم ، دیدیم بلیط ماشین را باید چند روز پیش تهیه می کردیم و الآن تهیّه بلیط امکان ندارد ، خیلی ناراحت بودیم که من از صاحب ماشینی (که در نزدیک منزل ما ، ماشین خودش را پارک می کرد و در مسیر « تهران مشهد » مسافر جا به جا می کرد) خواستم ما را هم با خودش تا تهران ببرد . او گفت : من فردا حرکت نمی کنم ولی فردا شما را به قم می فرستم ؛ فردا ما را تا گاراژ ماشین برد و به مسئول دفتر گفت :



اینها از ما هستند و می خواهند به قم بروند ، او هم موافقت کرد و در بهترین جای ماشین به ما تعداد صندلی مورد نیازمان را داد و ناباورانه « بی بی » وسیله برگشت مان را هم مانند « منزل در مشهد » فراهم کرد . (1)

صفحه 61

شفای طلبه جوان نخبوانی

حضرت آیه الله مکارم شیرازی « دام ظلّه » می فرماید : « بعد از فروپاشی شوروی سابق و آزاد شدن جمهوریهای مسلمان نشین (و از آن جمله جمهوری نخبوان) مردم شیعه نخبوان تقاضا کردند ، که عدّه ای از جوانان خود را به حوزه علمیه قم بفرستند تا برای تبلیغ در آن منطقه تربیت شوند . مقدمات کار فراهم شد و استقبال عجیبی از این امر به عمل آمد . از بین (سیصد نفر داوطلب) پنجاه نفری که معدّل بالایی داشتند و جامعترین آنها بودند برای اعزام به حوزه علمیه قم انتخاب شدند . در این میان جوانی که با داشتن معدّل بالا ، به سبب اشکالی که در یکی از چشمانش وجود داشت انتخاب نشده بود با اصرار فراوان پدر ایشان ، مسئول مربوطه ناچار از قبول ایشان شد ، ولی هنگام فیلمبرداری از مراسم بدرقه از این کاروان علمی ، مسئول فیلمبرداری دوربین را روی چشم معیوب این جوان متمرکز کرده و تصویر برجسته ای از آن را به نمایش گذاشت . جوان با دیدن این منظره بسیار ناراحت و دل شکسته شد . وقتی کاروان به قم رسید و در مدرسه مربوطه ساکن شدند این جوان به حرم مشرف شده و با اخلاص تمام متوسّل به

حضرت می شود ، و در همان حال خوابش می برد . در خواب عوالمی را مشاهده کرده و بعد از بیداری می بیند چشمش سالم و بی عیب است .



پاورقی

1 کرامات نقل شده از آقای شیخ عبدالله موسیانی توسط واحد سمعی ، بصری حرم ضبط صوتی ، تصویری شده است .

صفحه 62

او بعد از شفا یافتن به مدرسه برمی گردد ، دوستان او با مشاهده این کرامت و امر معجزه آسا ، دسته جمعی به حرم حضرت معصومه (علیها السلام) مشرف شده و ساعتها مشغول دعا و توسل می شوند .

وقتی این خبر به نخجوان می رسد آنها مصرانه خواهان این می شوند که این جوان بعد از شفا یافتن و سلامتی چشمش به آنجا برگردد که باعث بیداری و هدایت دیگران و استحکام عقیده مسلمین گردد . (1)

منبع فیض الهی

مرحوم محدث قمی می فرماید از بعض اساتید خود شنیدم که : « مرحوم ملاصدرای شیرازی به خاطر بعضی مشکلات از شیراز به قم مهاجرت فرمود و در قریه کهک اقامت نمود ؛ آن حکیم فرزانه هر گاه مطالب علمی بر او مشکل می شد به زیارت حضرت فاطمه معصومه می آمد و با توسل به آن بزرگوار مشکلات علمی برای ایشان حل می شد و از آن منبع فیض الهی مورد عنایت قرار می گرفت . (2)

پاورقی



1 ضبط صوتی ، تصویری این کرامت به نقل حضرت آیه الله مکارم « دام ظلّه » در واحد فرهنگی آستانه موجود است .

2 فوائد الرضویه ، ص 379 ، با تصرف .

صفحه 63

شفای مرد نصرانی

مرحوم محدث نوری نقل فرمودند که : « در بغداد مردی نصرانی به نام « یعقوب » مبتلا به مرض استسقاء بود که از معالجه آن ناامید شده بودند و به طوری بدنش ضعیف شده بود که توان راه رفتن نداشت . او می گوید : مکرر از خدا مرگم را خواسته بودم تا آنکه در سال 1280 ه . ق در عالم خواب سید جلیل القدر نورانی را دیدم که کنار تختم ایستاده ، و به من گفت : اگر شفا می خواهی باید به زیارت کاظمین بیایی . از خواب بیدار شدم و خوابم را به مادرم گفتم . مادرم که مسیحی بود گفت : این خواب شیطانی است . دو مرتبه خوابم برد . این مرتبه زنی را در خواب دیدم با چادر و روپوش که به من گفت : برخیز که صبح شد آیا پدرم با شما شرط نکرد که او را

زیارت کنی و ترا شفا بخشد ؟ گفتم پدر شما کیست ؟ گفت : « موسی بن جعفر » . گفتم شما کیستی ؟ فرمود : من معصومه خواهر رضا هستم . از خواب بیدار شدم و متحیر بودم که به کجا بروم ؛ به ذهنم آمد که بخدمت « سید راضی بغدادی » بروم . به بغداد رفتم تا به در خانه او رسیدم ، در زدم ، صدا آمد کیستی ؟ گفتم در را باز کن . همین که سید صدایم را شنید به دخترش گفت : در را باز کن که یک نفر نصرانی است آمده مسلمان شود . وقتی بر او وارد شدم گفتم : از کجا دانستید که من چنین قصدی دارم ؟ فرمود : جدّم در خواب مرا



از قضیه خبر داد. او مرا به کاظمین نزد شیخ عبدالحسین تهرانی برد؛ داستان خود را برایش گفتم، دستور داد مرا به حرم مطهر حضرت کاظم (علیه السلام) بردند و مرا دور ضریح طواف دادند عنایتی نشد؛ از حرم بیرون آمدم احساس تشنگی کردم؛ آب آشامیدم،

صفحه 64

حالم منقلب شد و روی زمین افتادم، گویا کوهی بر پشتم بود و از سنگینی آن راحت شدم. ورم بدنم از بین رفت و زردی صورتم به سرخی مبدل شد و دیگر اثری از آن مرض ندیدم. خدمت شیخ بزرگوار رفتم و به دست ایشان مسلمان شدم...» (1).

شفای مفلوج

حجه الاسلام والمسلمین آقای شیخ محمود علمی اراکی نقل کرد که: «من خودم مکرر دیدم شخصی را که «از پا عاجز و ناتوان بود

که پاهایش جمع نمی شد و قسمت پایین بدن را روی زمین می کشید و با تکیه به دو دست حرکت می کرد» از حالش پرسیدم اهل یکی از شهرهای قفقاز شوروی بود، گفت: رگهای پایم خشکیده است و قادر به راه رفتن نیستم؛ رفتم مشهد از حضرت رضا شفا بگیرم نتیجه ای نگرفتم؛ آمده ام اینجا (قم) انشاء الله شفا بگیرم.

در یکی از شبهای ماه رمضان بود، شنیدیم نقارخانه حرم (طبق معمول) به صدا درآمد و گفتند: بی بی شخص فلجی را شفا داده است؛ ما که بعداً با درشکه با چند نفر از همراهان به اراک می رفتیم در شش فرسخی اراک، همان شخص ناتوان را دیدم که با پاهای صحیح



و سالم عازم کربلا است و معلوم شد که آن روز او بوده که شفا گرفته ، او را به درشکه سوار کردیم و تا اراک همراه ما بود . (2)

پاورقی

1 دار السلام ، ج 2 ، ص 169 .

2 زندگانی حضرت معصومه ، سید مهدی صفحی ، ص 47 .

صفحه 65

شفای پادرد و تقدیر از عزاداری اهل بیت (علیهم السلام)

حضرت آیه الله حاج شیخ مرتضی حائری نقل فرمودند که : « شخصی بود به نام آقا جمال ، معروف به « هژبر » ، دچار پادرد سختی شده بود به طوری که برای شرکت در مجالس ، بایستی کسی او را به دوش می گرفت و کمک می کرد ، عصر تاسوعا آقای هژبر به روضه ای که در مدرسه فیضیه از طرف آیه الله حائری تشکیل شده بود ، آمد . آقا سید علی سیف (خدمتگزار

مرحوم آیه الله حائری) که نگاهش به او افتاد به او پرخاش کرد که : سید این چه بساطی است که در آورده ای ، مزاحم مردم می شوی ، اگر واقعاً سیدی برو از بی بی شفا بگیر . آقا هژبر تحت تأثیر قرار گرفت و در پایان مجلس به همراه خود گفت : مرا به حرم مطهر ببر ، پس از زیارت و عرض ادب با دل شکسته حال توجه و توسلی پیدا کرد و سید را خواب ربود . در خواب دید کسی به او می گوید : بلند شو . گفت : نمی توانم . گفته شد : می توانی بلند شو و عمارتی را به او نشان داده و گفت : این بنا از حاج سید حسین آقا است که



برای ما روضه خوانی می کند ، این نامه را هم به او بده . آقای هژبر ناگهان خود را ایستاده دید که نامه ای در دست دارد و نامه را به صاحبش رساند و می گفت : ترسیدم اگر نامه را نرسانم دردپا برگردد و کسی از مضمون نامه مطلع نشد حتی آیه الله حائری ، ایشان فرمودند : که از آن به بعد آقای هژبر عوض شد گوئی از جهان دیگریست و غالباً در حال سکوت و یا ذکر خدا بود . (1)

پاورقی

1 همان ، ص 45 .

صفحه 66

نجات گمشده و عنایت به زائرین

خادم و کلیددار حرم و مکبر مرحوم آقای روحانی (که از علمای قم و امام جماعت مسجد امام حسن عسکری (علیه السلام) بوده اند) می گوید : « شبی از شبهای سرد زمستان در خواب حضرت معصومه (علیها السلام) را دیدم که

فرمود : بلند شو و بر سر مناره ها چراغ روشن کن . من از خواب بیدار شدم ولی توجهی نکردم . مرتبه دوم همان خواب تکرار شد و من بی توجهی کردم در مرتبه سوم حضرت فرمود : مگر نمی گویم بلند شو و بر سر مناره چراغ روشن کن ! من هم از خواب بلند شده بدون آنکه علت آنرا بدانم در نیمه شب بالای مناره رفته و چراغ را روشن کردم و برگشته خوابیدم .



صبح بلند شدم و درب های حرم را باز کردم و بعد از طلوع آفتاب از حرم بیرون آمدم با رفقایم کنار دیوار و زیر آفتاب زمستانی نشسته ، صحبت می کردیم که متوجه صحبت چند نفر زائر شدم که به یکدیگر می گفتند : معجزه و کرامت این خانم را دیدید؟! اگر دیشب در این هوای سرد و با این برف زیاد ، چراغ مناره حرم این خانم روشن نمی شد ما هرگز راه را نمی یافتیم و در بیابان هلاک می شدیم .

خادم می گوید : من نزد خود متوجه کرامت و معجزه حضرت و نهایت محبت و لطف او به زائرینش شدم . (1)

پاورقی

1 ودیعه آل محمد ، محمد صادق انصاری ، ص 14 .

صفحه 67

مبتلای به جنون

آقای میرسید علی برقی فرمودند : « مردی اظهار می داشت که من در ایامی که سفیر ایران در عراق بودم ، عیالم مبتلا به جنون شد به طوری که گند به پاهایش زدیم ؛ روزی از سفارتخانه به منزل آمدم حال او را بسیار منقلب و آشفته دیدم ، داخل اطاق مخصوص خود شدم و از همانجا

متوسل شدم به مولا امیرالمؤمنین (علیه السلام) و عرض کردم یا علی چند سال است که در خدمت شما هستم و غریب و تنهائیم شفای همسرم را از شما می خواهم . همین طور در حال تحیر بودم که خدایا چه بکنم؟! که یک مرتبه خادمه منزل دوید و گفت : آقا بیاید ، گفتم



همسرم فوت کرد؟ گفت: خیر بهتر شد. من با عجله نزد عیالم رفتم، دیدم با حال طبیعی نشسته، عیالم به من گفت: این چه وضع است، چرا به پاهای من گُند زدید؟! برای او توضیح دادم بعد گفتم چه شد که شما یکمرتبه بهتر شدید؟ گفت: در همین ساعات خانم مجلله ای داخل اطاق شد گفتم: شما کیستید؟ فرمود: من معصومه دختر موسی بن جعفر (علیه السلام) هستم. جدّم امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) امر فرمودند من شما را شفا بدهم و شما خوب شدید...» (1).

ضعف چشم

حاج آقا مهدی صاحب مقبره اعلم السلطنه (بین صحن جدید و عتیق)

پاورقی

1 بشاره المؤمنین، آ شیخ قوام اسلامی جاسبی، ص 43.

صفحه 68

نقل کرده که: «من چندی قبل به ضعف چشم مبتلا شدم؛ بعد از مراجعه به اطباء، اظهار داشتند که چشم شما آب آورده باید برسد تا آن را عمل کنیم. او می گوید: بعد از آن هر وقت که به حرم مشرف می شدم مختصری از گرد و غبار ضریح را بچشمانم می کشیدم و این عمل باعث شد که ضعف چشم من برطرف شود به طوری که الآن

بدون عینک، قرآن و مفاتیح می خوانم» (1).

دختر لال



حجه الاسلام آقای حاج آقا حسن امامی چنین نوشته اند که : « روز پنجشنبه دهم رجب 1385 هـ . ق دختری 13 ساله از اهالی « آب روشن آستارا » به اتفاق پدر و مادرش به قم آمدند در حالی که دختر در اثر مرضی دچار عارضه لالی شده بود و قوه گویایی خود را از دست داده بود و با مراجعه به اطباء هم معالجه نشده بود ، در حالی که از دکترها مأیوس بودند به کنار قبر مطهر فاطمه معصومه (علیها السلام) پناهنده شدند .

به مدت دو شب در کنار ضریح مبارک نشسته گاهی در حال گریه و گاهی با زبان بی زبانی مشغول راز و نیاز بود که یک مرتبه همه چراغ های حرم خاموش گردید . در همان حال دختر مذکور مورد عنایت بی منتهای حضرت قرار گرفت و صیحه عجیبی کشید که خدام و زائرین شنیدند . جمعیت هجوم آوردند تا مقداری از لباس او را به عنوان تبرک بگیرند . خدام دختر را به کشیک خانه بردند تا جمعیت متفرق شدند . دختر گفت : در همان وقت خاموشی چراغهای حرم ، چنان روشنایی و نوری دیدم که در تمام عمرم مثل آن را ندیده بودم و حضرت را دیدم که فرمود : خوب شدی و دیگر می توانی سخن بگویی و حرف بزنی ؛ من فریاد زدم ، دیدم زبانم باز شده است . . . » (1).

پاورقی

1 بشاره المؤمنین ، آ شیخ قوام اسلامی چاسبی ، ص 43.

صفحه 69

مبتلا به سل



حاج آقا مهدی صاحب مقبره اعلم السلطنه می گوید: « مردی از دهات خلیجستان قم دچار مرض سل

می شود. به اطباء قم مراجعه می کند ولی نتیجه ای نمی گیرد. به طهران می رود و مشغول معالجه می شود تا وقتی که تمام دارایش را خرج می کند اما به نتیجه ای نمی رسد، مأیوس و تهیدست به وطن برمی گردد. در آنجا هم اهالی به او می گویند: تو که در اینجا چیزی نداری، مرضی هم که به آن مبتلا هستی مرضی است مُسری، ماندن تو در اینجا باعث گرفتاری سایر اهالی می شود، پس از اینجا برو.

به ناچار از وطن آواره و با دستی تهی و بدنی رنجور وارد قم می شود و در صحن جدید در ایوان یکی از مقبره های حرم مطهر در حالی که دل از همه جا بریده و دل به عنایات فاطمه معصومه (علیها السلام) بسته بود خوابش می برد، در اثر عنایات بی بی وقتی از خواب بیدار می شود هیچگونه اثری از بیماری در خود نمی بیند». (2)

پاورقی

1 همان، ص 49.

2 همان، ص 51.

صفحه 70

اداء دین و گشایش در زندگی



حاج آقا تقی کمالی ، از خدّام آستانه مقدّسه می گوید : « در سال 1302ه . ق . در آستانه مقدّسه متحصن شده و پناهنده به آن بانوی معظّمه بودم و در یکی از حجرات صحن نو منزل داشتم ؛ روزگرم به تلخی و سختی سپری می شد و کاملاً تحت فشار بی پولی و نداری قرار گرفته بودم ؛ زندگانی را با قرض از کسبه اطراف حرم می گذراندم تا اینکه یک روز بعد از ادای فریضه صبح خدمت بی بی مشرف شده و

وضع خود را به عرض رساندم ؛ در این حال دیدم کیسه پولی روی دامنم افتاد ؛ مدّتی صبر کردم به خیال این که شاید این کیسه پول مال زوّار محترم باشد تا به صاحبش ردّ نمایم ؛ دیدم خبری نشد فهمیدم که مرحمتی خانم است ، به حجره خود برگشتم وقتی کیسه را باز کردم مبلغ 4 تومان در آن بود . ابتدا بدهی هایم را پرداختم و به مدّت چهارده ماه خرج می کردم و تمام نمی شد تا آنکه روزی « حضرت حجه الاسلام و المسلمین آقای حسین حرم پناهی » تشریف آوردند و از وضع زندگی من جويا شدند ، من موضوع را اظهار نمودم در همان ایّام به آن عطیّه خاتمه داده شد . « (1)

شفای یکی از خدّام حرم

این کرامت که به حدّ تواتر رسیده از این قرار است که : « یکی از خدّام آن حضرت به نام « میرزا اسدالله » به سبب ابتلای به مرضی انگشتان پایش سیاه شده بود ؛ جراحان اتفاق نظر داشتند که باید پای او بریده شود تا مرض به بالاتر از آن سرایت نکند ، قرار شد که فردای آن روز پای او را جراحی نمایند . میرزا اسدالله گفت : حال که چنین است امشب مرا ببرید حرم مطهر دختر موسی بن جعفر (علیه السلام) . او را به حرم بردند ، شب هنگام خدّام در حرم را بستند و او پای ضریح از درد پا می نالید تا نزدیک صبح ، ناگهان خدّام صدای میرزا را شنیدند که می گوید : در حرم را باز کنید حضرت مرا شفا داده ، در را باز کردند

دیدند او خوشحال و خندان است . او گفت : در عالم خواب دیدم خانمی مجلله آمد به نزد من و گفت : تو را چه می شود ؟ عرض کردم که : این مرض مرا عاجز نموده و از خدا شفای دردم یا مرگ را می خواهم ، آن مجلله گوشه مقنعه خود را چند دفعه بر روی پای من کشید و فرمود : تو را شفا دادیم . عرض کردم شما کیستید ؟ فرمود : مرا نمی شناسی ؟ ! و حال آنکه نوکری مرا می کنی ، من فاطمه دختر موسی بن جعفرم . میرزا اسد الله بعد از بیدار شدن ، قدری پنبه در آنجا می بیند و آن را بر می دارد ؛ و به هر مریضی که ذره ای از آن را می دهد و به محل درد می کشد ، شفا پیدا می کند . او می گوید : آن پنبه در خانه ما بود تا آن وقتی که سیلابی آمد و خانه ما را خراب کرد و آن پنبه از بین رفت و دیگر پیدا نشد . « (1)

پاورقی

1 بشاره المؤمنین ، آ شیخ قوام اسلامی ، . J2

صفحه 71

شفای چشم دختر ده ساله

آقای حیدری کاشانی (واعظ) نقل می کند که : « یکی از رفقای روحانی ایشان در محضر آیه الله بهاءالدینی « دام ظلّه » نقل می کرد : که روزی دیدیم بر روی مردمک چشم دختر ده ساله ما دانه کوچکی پیدا شده ، وقتی به دکتر متخصص مراجعه کردیم ؛ بعد از معاینه ، ایشان اظهار نمودند که باید عمل شود ولی عمل خطر دارد .



پاورقی

1 انوار المشعشعین ، حاج شیخ محمدعلی قمی ، ص 216.

صفحه 72

دختر ، وقتی این را شنید بنا کرد ناراحتی کردن و اینکه من عمل نمی خواهم و می گفت :
 مرا به حرم حضرت معصومه (علیها السلام) ببرید . این را گفت و با سرعت به طرف حرم
 دوید ، ما هم به دنبال او آمدیم تا رسید به حرم ، شروع کرد به گریه کردن و خطاب به بی
 بی گفت : « یا حضرت معصومه (علیها السلام) من عمل نمی خواهم » و چشم خود را به
 ضریح حضرت می مالید و حال عجیبی داشت ، ما هم از دیدن این منظره منقلب شدیم ، بعد
 از این حالت توسّل ، او را بغل کردم و دلداری دادم و به او گفتم : خوب خواهی شد ، او را
 داخل صحن حرم مطهر بردم ، ناگهان نگاهم بچشم او افتاد دیدم هیچ گونه اثری از آن دانه
 خطرناک وجود ندارد .»

عطای مخارج میهمانی

آقای حیدری کاشانی می فرماید : « روزی که ما در منزل چیزی برای پذیرایی نداشتیم عدّه
 ای از کسانی که در شهرستان محلّ تبعید ما (بیرجند) با ما آشنا بودند ، به منزل ما آمدند ،
 من متحیر بودم که چکنم ؟ آمدم حرم و همان داخل صحن عرض کردم : بی بی جان !
 خودتان وضع ما را می دانید ، این را که گفتم در حالی که وسط حرم در حال حرکت بودم
 صدای خانمی را که مرا صدا می کرد شنیدم ، ایستادم ، او مبلغی پول به من داد و گفت :
 این مال شماست



. من به حرکت خود ادامه دادم ، مجدداً آن خانم مرا صدا زد و مبلغ دیگری پول بمن داد و گفت : اینهم مال شماست . اینجا بود که رو کردم به گنبد حضرت و عرض کردم : بی بی جان ! بسیار متشکرم . برگشتم به خانه و با آن مبلغ وسایل پذیرایی لازم را فراهم نمودم . خانم ما (که از بی پولی ما مطلع بود) گفت : اینها را از کجا تهیه کردی ؟ گفتم : فاطمه معصومه (علیها السلام) عنایت فرمود

صفحه 73

حضرت رضا (علیه السلام) مریض را به حرم خواهر می فرستد

آقای حیدری کاشانی می گوید : « بعد از یک دهه سخنرانی در مسجد گوهرشاد ، خانمی پیش من آمد و گفت : پسر جوان مریضی داشتم که شبی حضرت رضا (علیه السلام) را در خواب دیدم ، حضرت فرمود : یکی از دو مریضی جوانت را شفا دادم ، مریضی دوم (او را خواهرم در قم شفا خواهد داد) به نزد خواهرم در قم برو . حال که شما عازم قم هستید این شصت تومان را داخل ضریح حضرت بینداز ؛ من چند روز دیگر به قم خواهم آمد . من به او گفتم : شما موقع آمدنتان به مشهد به قم نرفتید ؟ گفت : نه .

گفتم : این فرمایش حضرت گلایه ای بوده از شما که چرا در طول راه مسافرت به مشهد ، به زیارت خواهر ایشان نرفته اید ؟ » (1)

پاورقی

1 کرامات نقل شده از آقای حیدری کاشانی ضبط صوتی و تصویری شده و در واحد سمعی ، بصری آستانه مقدسه موجود است .



نزول رحمت الهی

بار دیگر شبانگاهان دست فیاض الهی از آستین کریمه اهل بیت به در آمد و چراغی به روشنی خورشید ولایت فراروی عاشقان دلسوخته برافروخت: سخن از گذشته های دور نمی باشد بلکه حقیقتی است محقق در جمعه شب 73/2/23 آری بار دیگر در آن شب شاهد گشوده شدن خزائن غیب گشتیم و نزول رحمت الهی: « آن که مورد عنایت قرار گرفت مسافری بود از راه دور، دختری چهارده ساله از اهالی « شوط » ماکو، از شهرهای آذربایجان که خود با ما چنین سخن می گوید: رقیه امان

الله پور هستم از اهالی « شوط » ماکو، چهار ماه پیش بر اثر یک نوع سرماخوردگی از هر دو پا فلج شدم؛ خانواده ام مرا به بیمارستانهای مختلف در شهرهای ماکو، خوی و تبریز بردند، ولی همه پزشکان پس از عکسبرداری و انجام آزمایش مکرر، از درمانم عاجز شدند و من دیگر نمی توانستم پاهایم را حرکت دهم تا این که چهارشنبه شب (73/2/21) در عالم رؤیا دیدم که خانمی سفیدپوش سوار بر اسبی سفید به طرف من آمدند و فرمودند: « چرا از همان ابتدای بیماری پیش من نیامدی تا شفایت دهم؟ » با اضطراب از خواب پریدم و جریان خواب را با عمو و عمه ام در میان گذاشتم و آنها نیز بلافاصله مقدمات سفر به قم را فراهم آوردند

لذا روز جمعه (73/2/23) ساعت 7/30 دقیقه بعد از ظهر به حرم مطهر مشرف شدیم. پس از نماز، مشغول خواندن زیارتنامه شدم که ناگهان صدای همان خانمی که در خواب دیده بودم به گوشم رسید که فرمود: « بلند شو، راه برو، که شفایت دادم ». من ابتدا توجهی



نکردم و باز مجدداً همان صدا با همان الفاظ تکرار شد ؛ این بار به خود حرکتی دادم و مشاهده کردم که قادر به حرکت می باشم و مورد لطف آن بی بی دو عالم قرار گرفته ام «
(1).

صفحه 75

نسیم رحمت

خواهر پروین محمدی اهل باختران در سال سوم دبیرستان مبتلا به تشنج اعصاب شدند و پس از بی اثر بودن معالجات مکرر و ناامیدی از همه جا همراه خانواده عازم مشهد مقدس می شوند به امید شفا از امام رضا(علیه السلام).

مادر ایشان این کرامت را اینگونه بیان می کند :

« وقتی به قم رسیدیم با خود گفتم خوبست اول به زیارت خواهر امام رضا(علیه السلام) برویم اگر جواب نداد به مشهد می رویم ؛ ساعت 2 بعد از نیمه شب بود که به قم رسیدیم ؛ ساعت 9 صبح به حرم مشرف شدیم و دخترم را که به سختی خوابش می برد و در اثر تشنج اعصاب دچار مشکلاتی می شد با حال توجه و توسل به حضرت معصومه(علیها السلام) ، به نزدیک ضریح بردم و براحتی خوابید .

پس از مدتی که از نماز ظهر و عصر گذشت بوی عطر عجیبی حرم را گرفت و دیدم دست راست دخترم سه مرتبه به صورتش کشیده شد و رنگ او برافروخته شد و گوشه چادر او را که به ضریح بسته بودم باز شد ؛ در همین حال دخترم براحتی از خواب بیدار شد و گفت مادر کجایی ؟



پاورقی

1 این کرامت از زبان فرد شفا یافته با صدا و تصویر توسط سمعی ، بصری آستانه مقدسه ضبط شده است .

صفحه 76

گفتم : حرم حضرت معصومه (علیها السلام) . گفت : مادر ، گرسنه ام ! من که ماهها بود حسرت شنیدن این کلمه را از او داشتم ، گفتم : برویم بیرون حرم ؛ با هم داخل صحن حرم شدیم از او پرسیدم ؛ احساس ناراحتی نمی کنی ؟ گفت : نه ، الحمدلله خوب هستم . و من احساس کردم که حالت او طبیعی شده و شفا یافته است و از حضرت معصومه تشکر نمودم .» (1)

شربت شفابخش

روز چهاردهم شعبان برابر با 26 دیماه 1373 ه . ش . و در آستانه عید بزرگ نیمه شعبان بارگاه ملکوتی کریمه اهل بیت (علیهم السلام) پذیرای میهمانی است که از راه دور آمده ، او همسایه برادر است که به دعوت خواهر او به امید شفا به این بارگاه رو آورده است ، او امیر محمد کوهی ساکن مشهد و کارمند سابق اداره امور اقتصادی و دارایی آن شهر است که داستان خود را چنین بیان می کند :

« سه سال بود که به بیماری فلج مبتلی بودم و قادر به حرکت نبودم و با ویلچر حرکت می کردم ؛ پیش اطباء متخصص مشهد و تهران رفتم و مراحل مختلف درمان را (از عکس و آزمایش و سی تی اسکن و غیره) گذراندم و بارها در بیمارستان بستری شدم و در مجالس



دعا و توسّل در حرم مطهر حضرت رضا(علیه السلام) به قصد شفا شرکت کردم ولی عنایتی نشد در همین اواخر به خاطر ناراحتی زیاد « خود و خانواده ام » به حرم مشرف شدم و با سوز دل عرض کردم: آقا! شما غیر مسلمانان را محروم نمی کنید پس چرا به من شیعه توجه نمی فرمائید؟! آقا یا جوابم را بده یا می روم قم و به خواهرتان شکایت می کنم و او را واسطه قرار می دهم؛ آنگاه خطاب به حضرت معصومه(علیها السلام) عرض کردم: من که همسایه برادر شما هستم و فردی عاقله مندم و در عمر خود خیانتی نکردم و در حدّ توان درستکار بودم چرا ایشان مرا شفا نمی دهند؟

پاورقی

1

این کرامت توسط سمعی، بصری آستانه مقدّسه ضبط شده است.

صفحه 77

بعد از این توسل و عرض گلایه در عالم خواب خانمی را دیدم به من فرمود: شما باید به قم بیایی تا شفایت دهم.

عرض کردم شما که به خانه ما آمدی و میهمان ما هستی همینجا شفایم بده؛ من پولی ندارم که به قم بیایم.

فرمود: شما باید به قم بیایی.

من خوابم را به عیال و فرزندانم نقل کردم، پس از مدّتی پسر من گفت: پدر! ما که همه دارایی خود را در راه معالجه شما خرج کردیم، من مبلغی را از فروختن چند جعبه



نوشابه ای که در خانه داشتیم تهیه نمودم ؛ این را خرج سفر کنید و به قم بروید ، امیدوارم که شفا پیدا کنید .

من راهی قم شدم ، پس از رسیدن به قم وضو گرفتم و وارد حرم شدم ؛ از دو نفر تقاضا کردم زیر بغل های مرا گرفته و کنار ضریح ببرند ؛ مرا کنار ضریح بردند (خسته بودم و ناتوان) بعد از زیارت و التجاء بسیار همان کنار ضریح پتوی خود را به سر کشیده ، خوابم برد .

صفحه 78

در عالم خواب خانمی را دیدم با چادر مشکی و روبندی سبزرنگ به من فرمود : پسرم خوش آمدی ! اکنون شفا یافتی ، برخیز ، تو هیچ بیماری نداری . عرض کردم : من بیمار و زمین گیرم . ایشان پیاله گلی پر از چای را به دست من داد و فرمود : بخور . من چای را خوردم ؛ ناگهان از

خواب بیدار شدم دیدم می توانم روی پا بایستم ، از جا برخاستم و خود را به ضریح مقدس رساندم و بالاخره در این روز ، عیدی خود را از « بی بی » گرفتم . (1)

این بود شمه ای از الطاف بی شمار و عنایات بسیار و کرامات فراوان این بانوی بزرگ که به واسطه وجود پاکش سرزمین قم مأوای عاشقان و سالکان طریق هدایت و قبله آمال عارفان حقیقت گشته است . به امید آنکه همین مختصر ، شربتی باشد به کام خشکیده عاشقان دلسوخته و چراغ راهی گردد برای بیدار شدگان از خواب غفلت ، بدان امید که حضرتش همه را از ره لطف مورد عنایت قرار داده و بر سیل هدایت رهنمون گردد انشاء الله .



پاورقی

1 این کرامت ضبط صوتی ، تصویری شده و در سمعی ، بصری آستانه موجود است .

صفحه 80

بخش ششم : حضرت فاطمه معصومه (علیها السلام) در شعر شاعران

اشاره

در طول تاریخ ، شعرای اسلامی و سرایندگان آزاده شیعه ، سهم به سزایی در ترویج مکتب امامت و ولایت و اشاعه فضایل و مناقب اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) داشته اند که سروده های حکمت آموز آنان همیشه صفابخش قلوب عاشقان و شیفتگان خاندان نبوت و رسالت بوده است و به عنوان سندی جاوید و ماندگار در طول قرون و اعصار پیام آور مظلومیت و حقانیت مکتب سرخ علوی و مبین قطره ای از دریای بی کران فضایل اهل بیت (علیهم السلام) بوده اند .

و در همین راستا ، عظمت مقام کریمه اهل بیت (علیهم السلام) این شاعران و منادیان حق و آزادی را به اظهار خالصانه ترین تعظیم و تکریم در برابر بارگاه ملکوتی آن بزرگ بانوی اسلام

و سرودن اشعار و قصایدی ژرف و عمیق پیرامون فضایل و مناقب آن بزرگوار وادار نموده است ، که مجموعه آنها خود دیوان مستقلی خواهد بود ولی در اینجا به برگزیده ای از آنها اکتفا می کنیم :

81صفحه



نورین نیرین « فاطمه زهرا و فاطمه معصومه (علیهما السلام) »

نور خدا در رسول اکرم پیدا
کرد تجلی زوی به حیدر صفدر
و زوی تابان شده به حضرت زهرا
- اینک ظاهر ز دخت موسی جعفر
گر که نگفتی امام هستم بر خلق
موسی جعفر ولیّ حضرت داور
فاش بگفتم که این رسول خداست
معجزه اش می بود همانا دختر
دختر جز فاطمه نیاید چون این
صلب پدر را وهم مشیمه مادر
دختر چون این دو از مشیمه قدرت
نامد و ناید دگر هماره مقدر
آن یک امواج علم را شد ، مبدء
وین یک افواج علم را شده مصدر



آن یک بر فرق انبیا شده تارک

وین یک اندر سر اولیا را مغفر

آن یک در عالم جلالت « کعبه »

وین یک در ملک کبریایی « مشعر »

آن یک خاک مدینه کرده مزین

صفحه قم را نمود این یک انور

خاک قم این کرده از شرافت جنت

آب مدینه نموده آن یک کوثر

زید اگر خاک قم به «عرش» کندفخر

شاید گر « لوح » را بیابد همسر (1)

پاورقی

1 گزیده ای از قصیده حضرت امام خمینی (رحمه الله) ، دیوان امام ، ص 254 257.

صفحه 82

دخت خورشید (1)

ای دختر عقل و خواهر دین



وی گوهر درج عزّ و تمکین

عصمت شده پای بند مویت

ای علم و عمل مقیم کویت

ای میوه شاخسار توحید

همشیره ماه و دخت خورشید

وی گوهر تاج آدمیت

فرخنده نگین خاتمیت

شیطان بخاطب « قم » براندند

پس تخت ترا بقم نشانند

کاین خانه بهشت و جای حواست

ناموس خدای جایش اینجاست

اندر حرم تو عقل ماتست

زین خاک که چشمه حیاتست

جسمی که در این زمین نهان است

جانی است که در تن جهان است



این ماه منیر و مهر تابان

عکسی بود از قم و خراسان

ایران شده نوربخش ارواح

مشکاه صفت به این دو مصباح

از این دو حرم دلا چه پرسی

حق داند و وصف عرش و کرسی

هر کس

به درت بیک امید است

محتاج تر از همه « وحیدی » است

پاورقی

1 گنجینه دانشمندان ، ج 1 ، ص 19 ، « قصیده از آیه الله وحیدی خراسانی » .

صفحه 83

فاطمه ثانی (1)

ای که به خلق جهان تویی سر و سرور

شان تو از قدر کاینات فزون تر



وقت ثنای تو مات عقل خردمند
گاه مدیح تو محو فکرِ سخنور
طایر وهم ار ، رسد به پایه قدرت
بال و پرش سوزد ار بود چو سمندر
شانه گیسوی توست ، پنجه خورشید
آینه روی توست ماه منور
رشحه ای از نور طلعت تو به افلاک
بر شد و افلاک از آن شدند پُر اختر
عکس زابروی تو هلال چو برداشت
گشت مشارالیه خلق سراسر
بهر وجود تو خلق گشته دو عالم
بهر تو گردیده کاینات مسخر
پاورقی

1 گنجینه دانشمندان ، ج 1 ، ص 24 ، قصیده ای از آیه الله ثقفی تهرانی میرزا محمد .



خلقت هستی ، تو داده ای به همه خلق

ز آنرو مهتر تویی بر این همه کهتر

آدم و نوح و خلیل و موسی و عیسی

از مدد فیض تو شدند پیمبر

کفو تو را چون نکرد خلق خداوند

ز آن ننمودی به عمر خویش تو شوهر

خلق جهان جمله اند زوج و خدا فرد

تو چو خدا فردی و نداری همسر

ذره ای از عصمت زنان جهان را

گر برسد مریمند جمله و هاجر

شبندی از جودِ توست رحمت نیسان

سبزه ای از کشت تو است گنبد اخضر

دست کشیدی مگر تو بر سر آهو

کز وی حاصل شد است نافه اذفر

واللیل از موی تو شد است مبین



والشَّمْسُ از طلعت تو گشته مفسَّر

باب عطایت گشاده بر همه عالم

چشم امید خلایق است بر این در

صفحه 85

گرد ضریحت دوای اکمه و ابرص

گرد حریمت شفای عاجز و مضطر

حکم الهی به مهر توست مسجل

امر خدایی به

حبّ تو است مقرر

بضعه زهرایی و سلاله حیدر

نور دو چشم نبی ، حبیبه داور

فاطمه ثانیی به عالم ظاهر

لیک به معنی تویی همان و نه دیگر

مظهر حقّند خانواده عصمت

جلوه ربّند دودمان مطهر



بسته لبم لم یلد و گر نه بگویم

دخت خدای است بنت موسی جعفر

عمر تو کوتاه همچو شاخه گل بود

چون تو بزرگی و این سراسر محقر

نیست مرا غیر در گه تو پناهی آخر و اوّل تویی و اوّل و آخر

صفحه 86

حبیبه حق (1)

تو ای حبیبه حق جلوه از خدا داری

که سوی خویش همه چشم ماسوی داری

به چرخ حشمت و اجلال بیشتر از مهر

به پیش دیده اهل صفا ضیا داری

تو آشنا نشوی گر چه به کسی از قدر

ولیک در همه عالم تو آشنا داری

به زائرین حریم خود ای ستوده خصال

نظر ز راه محبت جدا جدا داری



به يك نگاه مس قلب ما طلا سازی

تویی که با نظر خویش کیمیا داری

به هر که می نگریم جانب تو روی آرد

تو خود نظر مگر از لطف سوی ما داری

از آن که دختر موسی ابن جعفری بخدا

کنند مدح تو گر تا به حشر جا داری

پاورقی

1 لمعات عشق ، حیدر معجزه ، ص 106 .

صفحه 87

در پربهاء (1)

بالد بر آسمان ز شرف آسمان قم

ساید بر آستان تو سر آسمان قم

در گاه تو است مرکز دارالفنون علم

طلاب دین کواکبی از کهکشان قم

در پیشگاه حضرت معصومه صبح و شام



بیزد گهر ، مدرّسِ گوهرفشان قم

سبقت ز ساکنان حریم خدا برند

از راه دوستی علی عارفان قم

چون پای اهل علم بر این خاک می رسد

ای دل به جان بیوس تو هم خاکدان قم

ای درّ پُر بها به قم گشته ای مکین

کردی ز خلد باز دری در مکان قم

سر عاکفان کعبه یزدان به جان نهند

بر آستان قدس ملک پاسبان قم

الفاظ در معانی مدح تو قاصر است

ای نازنین که جسم تو باشد روان قم

آید اگر خلیل پیمبر در آن حرم

نبود شگفت گر شود از عاکفان قم

چشم دلم ز گرد ضریح تو روشن است

آری چو توتیا بود این ارمغان قم



پاورقی

1 لمعات عشق ، ص 118 .

صفحه 88

جمال و کمال فاطمی (علیها السلام) (1)

خاک قم گشته مقدّس از جلال فاطمه

نوباران گشته این شهر از جمال فاطمه

گر چه شهر قم شده گنجینه علم و ادب

قطره ای باشد ز دریای کمال فاطمه

تابش شمع و چراغ و کهربای نورها

باشد از نقد جمال بی مثال فاطمه

صافی آینه ایوان نیکو منظرش

گوشه ای از صافی قلب زلال فاطمه

عطر آگین گشته گر این بارگاه جنتی

این نسیمی است از عبیر بی همال فاطمه

بر سر ما سایه افکن از کرامت ای بتول



شد سعید آن کس که بُد اندر ظلال فاطمه

آفت دلها غم است بر در گه معصومه ام

حرمت من حرمت عزّ و جلال فاطمه

یارب از غم ها مرا برهان هم از افسردگی

عفو کن ما را به قلب پر ملال فاطمه

کبریا از درگهش کس را نکرده ناامید

خاصّه آنکو داشت پشتیبان مثال فاطمه

پاورقی

1 گنجینه دانشمندان ، ج 1 ، ص 17

صفحه 89

ریحانه رسول (1)

رواق دختر موسی بن جعفر است این جا

حریم فاطمه بنت پیمبر است این جا

در بهشت برین گر طلب کنی به خدا



بیوس با ادب آن را که آن در است این جا

زمین قم به مثل چون صدف بود آری

وجود حضرت معصومه گوهر است این جا

ببند عقد نماز اندرین مقام رفیع

که جای گفتن الله اکبر است این جا

مخوان به خلد برینم زکوی او واعظ

برای من ز دو صد خلد برتر است این جا

حبیبه حق و ریحانه رسول و علی

یگانه دختر زهرای اطهر است این جا

بیوس از سر صدق و صفا ضریحش را

که مورد نظر حی داود است این جا

مسیح زنده شود در حریم این بانو

عجب ز فیض دمش روح پرور است این جا

ز یمن موکب اجلال فاطمه بنگر

که در تاج سر هفت کشور است این جا



فروغ روضه او پر تو افکن است به مهر

چرا که مطلع خورشید انور است این جا

پاورقی

1 لمعات عشق ، ص 58 ، دیوان حیدر معجزه .

صفحه 90

اگر بدیده ادراک بنگری بینی

که مهر و ماه هم از ذره کمتر است این جا

از آن شدند سلاطین مقیم در کوش

که خاک در گه او زیب افسر است این جا

کند بدر گه او سجده صبحدم خورشید

که از فروغ ولایت منور است این جا

اگر تجلی حق بینی از در و دیوار

عجب مدار که دخت پیمبر است این جا

تبارک الله از این روضه بلند رواق

که از تصور و از وصف برتر است این جا



برو طهارت دل کن بیا به روضه او

که جای مردم پاک و مطهر است این جا

از آن پناه به کوی تو آرم ای بانو

که فیض روح ز لطف میسر است این جا

مرا که نام بود حیدر آدمم

به درت

چرا که نور دو چشمان حیدر است این جا

زمین قم شده روشن از آن به غیب و شهود

که نور حق به جمالت برابر است این جا

ز آفتاب قیامت غمی نخواهد بود

مرا که سایه لطف تو بر سر است این جا

سزد که « معجزه » قم همچنان بهشت بود

چرا که دختر موسی بن جعفر است این جا

صفحه 91

بارگاه رفیع فاطمی (1)



این بارگه که چرخ بر رفعتش گم است

فخر البقاع بقعه معصومه قم است

فخر البقاع نیست که فخر البقا بود

این بارگه که چرخ بر رفعتش گم است

با خاک درگهش خضر اندر گه نماز

کاری که فرض عین شمارد تیمم است

سنگ حریم او فلک النجم عالم است

ریگ سرای او ملک العرش انجم است

سقای او چو آب زند گردِ ساختش

از رشک با سرشک قرین چشم قلزم است

در التماس بارقه گنبدش هنوز

در طور روح موسی اندر تکلم است

از رشک خشتهای زر اندود او مدام

داغی چو شمس بر دل این هفت طارم است

هی پا نهاده زائر او بر پر ملک



بس از ملک به طوف حریمش تهاجم است

پاورقی

1 از تاج الشعراء جیحون ، زندگانی حضرت معصومه (علیها السلام) ، ص 86 .

صفحه 92

حق دارد این مکان زند ار ، دم ز ، لامکان

کو را یگانه گوهر سلطان هفتم است

اخت رضا و دختر موسی که حشمتش

مستور از عفاف ز چشم توهم است

هم در حسب بزرگ اب اندر پی اب است

هم در نسب سترک أم اندر پی أم است

آن کعبه است مرقد فرقد علو او

کز پیل حادثات مصون از تهدم است

یا بضعه البتول و یا مهجه الرسول

ای آنکه رتبه تو ورای توهم است

از اشتیاق سجده بر خال چهر تو



آدم هنوز روی دلش سوی گندم است

دانند اگر ز آدم و

حوا مؤخرت

من گویمت بر آدم و حوا تقدّم است

زیرا که جز ثمر نبود مقصد از درخت

وان شاخ و برگش ارچه بود عود و هیزم است

ابلیس را که چنگ ندامت گلو فشرد

بر درگهت امید علاج تندم است

صفحه 93

مردم زیارت تو کنند از پی بهشت

وین خود دلیل بر عدم عقل مردم است

زیرا که جز زیارت کویت بهشت نیست

ور هست درب کوی تو آن را تصمم است

با صدق تو صباح دوم را بدون کذب

بر خویش خنده آید و جای تبسم است



کی شبّه مریمت کنم از پاک دامنی
کالوده اش ز نفحه روح القدس کم است
آن جا که عصمت تو زند کوس دور باش
پای وجود روح قدس در عدم گم است
گردون به پیش محمل فرّت جنیبتی است
کز آفتاب کوی زرش زیور دم است
ذلی که از پی تو بود عین عزّت است
خاری که در ره تو خلد به ز، قائم است
ای بانوی حرم سوی جیحون نظاره ای
کز انقلاب دهر، همی در تلاطم است
مویم اگر چه شد به معاصی سپید لیک
رویم منه سیاه که دور از ترحم است

صفحه 94

روح ایمان (1)

ولای حضرت معصومه راحت جانست

به چشم مردم آگاه روح ایمانست
کسی به دعوی ایمان خود بود صادق
که پیرو نبی و تابع امامان است
چو اهل بیت نبی گوهران بی مثلند
بهایشان ز شرف فوق درک انسانست
به هر گلی که ز باغ رسالت است و علی
هر آنکه دل ندهد خوار نزد یزدانست
چه جای آن که نباشد محبّ معصومه
که او به چرخ ولا اختر درخشانست
به خاک پای تو ای بنت موسی جعفر
که توتیای ضیابخش اهل عرفانست
اگر حبیبه حق خوانمت از آن باشد
که بر مقام تو عارف خدای سبحانست
پاورقی



شافع یوم المعاد (1)

یا رب این خلد برین یا جنه المأوستی

یا همایون بارگاه بضعه موساستی

این مهین بانو که در برج شرافت اختری است

نسل پاک و زاده انسیه الحوراستی

فاطمه اخت الرضا ، سلطان دین ، روحی فداه

خاک درگاه تو از عرش علا اعلاستی

ملجأ اهل زمان و شافع یوم المعاد

خواهر سلطان دین و ثانی زهراستی

مرقد نورانیش گویا ریاض جنت است

تربت پاکش ز مشک و عنبر ساراستی

گو بیاید تا به بیند این همایون بارگاه

آنکه منکر بر وجود جنت دنیاستی

حضرت ناطق بحق صادق چنین فرموده است



در جزای زائر او جنه المأوستی

ای مهین بانوی کاخ عصمت ، ای مایه وجود

ای که خاک در گهت رشک دم عیاستی

حق ام و اب اگر مانع نبودی گفتمی

هم ز خیل خادمات آدم و حواستی

پاورقی

1 از سید محمدرضا خادم ، زندگانی حضرت معصومه (علیها السلام) ، ص 100 .

صفحه 96

طالب دنیا به قم چون طیر اندر مجلس است

ظالم اندر دشت قم چون ملح در دریاستی

هر که از روی خلوص آرد به درگاه تو روی

خوشدل از دنیا و فارغ از غم عقباستی

عقل در احصاء قدرش قاصر است و پا به گل

گرچه چون لقمان

دهر و بوعلی سیناستی



خطه قم شد ز یمن مقدمش رشک جنان

در صفا دار الخلود و از شرف غبراستی

چون بدیدی این بنا را عقل گفتی کاسمان

صورتی در زیر دارد آنچه در بالاستی

بضعه موسی (1)

آتش موسی عیان از سینه سیناستی

یا که زرین بارگاه بضعه موساستی

بضعه موسی بن جعفر فاطمه کز روی قدر

خاک در گاهش عبیر طره حوراستی

نوگلی رنگین ز طرف گلشن یاسین بود

آیتی روشن ز صدر نامه طهاستی

پرتوی از آفتاب اصطفای مصطفی

زهره ای از آسمان عصمت زهراستی

پاورقی



1 زندگانی حضرت معصومه ، سیدمهدی صفی ، ص 102 ، شعر از فتحعلی خان صبا .
(این اشعار دور گنبد حضرت نوشته شده است) .

صفحه 97

صحن او را هست اقصی پایه عزت چنان
کز شرف مسجود سقف مسجد اقصاستی
پستی از صحن حریمش را به پطاق حرم
کین مکان عزت و آن مسکن غبراستی

گل گلشن فاطمی (1)

ز باد حوادث گلی از پیمبر (صلی الله علیه و آله وسلم)

در این خاک عنبرفشان آرمیده

یکی لاله از لاله زار ولایت

به گلزار قم بین چسان آرمیده

گل گلشن فاطمی بین که چونان

ز دست قضا نوجوان آرمیده

در این بارگاه رفیع دل افروز



نهان زیب تاج کیان آرمیده

در این ارض اقدس یکی گوهر پاک

به تقدیر چرخ زمان آرمیده

درخشان مهی دخت موسی بن جعفر

کزو کشوری در امان آرمیده

جبین سا به خاک درش هان که بی شک

در این بقعه جان جهان آرمیده

پاورقی

1 همان ، ص 89 ، قصیده فاضل ارجمند آقای دوانی .

صفحه 98

بگرد حریمش بسان کبوتر

هزاران ز روحانیان آرمیده

به پیرامن مشعل پرفروغش

شهان و دو صد عالمان آرمیده

به فردوسیان گو به قم اندر آیند



که زینت ده حوریان آرمیده

کمال و شرف ، علم و جاه و جلالت

به هر سوی این آستان آرمیده

به هر جا که گامی نهی با تأمل

فسرده تنی شادمان آرمیده

قدمها به آرامی این جا فرو نه

که در این زمین گلرخان آرمیده

به عبرت نظر کن که بینی در این جا

هزاران سر و سروران آرمیده

هزاران گل و بلبل و سرو و

سوسن

دو صد نرگس و ارغوان آرمیده

خوش آنان که در قم همی جان سپارند

خوش آن کو در این گل مکان آرمیده

خوش آن روزگاری که در قم گذشت



خوشا حال آن که شبان آرمیده

چه غم دارد از روز محشر (دوانی)

که در ظلّ این سایبان آرمیده

صفحه 99

حریم خدا (1)

ای خاک پاک قم چه لطیف و معطری

خاکی ولی ز ذوق و صفا بند گوهری

گوهر کجا و شأن تو نبود عجیب اگر

گویم ز قدر و منزلت از عرش برتری

بس باشد این مقام ترا ای زمین قم

مدفن برای دختر موسی بن جعفری

آن بانوی حریم امامت که مام دهر

نازاده بعد فاطمه یک همچو دختری

یا فاطمه ، حریم خدا ، بضعه بتول

محبوبه مکرمه حیّ داوری



هستی تو دخت موسی و اخت رضا یقین

گردون ندیده همچو پدر هم برادری

فخر امام هفتم و هشتم که از شرف

وی را یگانه دختر و آن را تو خواهری

مریم که حق ز جمله زنهایش برگزید

شایسته نیست آنکه کند با تو همسری

از لطف خاص و عام تو ای عصمت اله

بر عاصیان شفیعه فردای محشری

پاورقی

1 اشعار از مرحوم سید جعفر احتشام .

صفحه 100

صد حیف یوم طف نبودی بکربلا

بینی بنات فاطمه با حال مضطری

و آن یک شکسته بازو و آن یک دریده گوش

و آن دیگری به چنگ لئیم ستمگری



زینب کشید ناله که یا ایها الرسول

بین بهر ما نمانده نه اکبر نه اصغری

یا فاطمه بجان عزیز برادرت

بر « احتشام » لطف نما قصر اخضری

نگین قم (1)

شهرها انگشترند و « قم » نگین

قم ، هماره حجّت روی زمین

تربت قم ، قبله عشق و وفاست

شهر علم و شهر ایمان و صفاست

مرقد « معصومه » چشم شهر ما

مهر او جانهای ما را کهربا

دختری از اهل بیت آفتاب

وارثِ دُرّ حیا ، گنج حجاب

در حریمش مرغ دل پر می زند

هر گرفتار آمده ، در می زند



هر دلی اینجاست مجذوب حرم

جان ، اسیر رشته جود و کرم

این حرم باشد ملائک را مطاف

زائران را ارمغان ، عشق و عفاف

آستان بوسش بسی فرزندگان

معرفت آموز ، از این آستان

دیده

پاکان به قبرش دوخته

عصمت و پاکی از آن آموخته

« حوزه قم » هاله ای بر گرد آن

فقه و احکام خدا را مرزبان

پاورقی

1 سروده آقای جواد محدثی .

صفحه 101

قم همیشه رفته راه مستقیم



بوده در مهد هدایتها مقیم

قم نمی بیند مگر خوابِ قیام

تیغِ قم بیگانه باشد از نیام

شهر خون ، شهر شرف ، شهر جهاد

شهر فقه و حوزه ، علم و اجتهاد

هر کجا را هر چه سیرت داده اند

اهل قم را هم بصیرت داده اند

نقطه قاف قیامند اهلِ قم

برقِ تیغِ بی نیامند اهلِ قم

اهلِ قم ، ز اوّل ولایت داشتند

در دل و در دیده ، « آیت » داشتند

سر نمی سودند ، جز بر پای دین

دل نمی دادند الا بر یقین

دین ، مطیع امر مولا بودن است

راه را با رهنما پیمودن است



دختر « موسی بن جعفر » را درود

کز عنایاتش تراوید این سرود

لطف بی انتها (1)

آیتی از خداست معصومه

لطف بی انتهاست ، معصومه

جلوه ای از جمال قرآن

چهره ای حق نماست ، معصومه

عطر باغ محمدی دارد

زاده مصطفی است ، معصومه

پرتوی از تَلَّأُوْ زهرا

گوهری پر بهاست ، معصومه

ماه عفت نقاب آل کسا

دختر مرتضاستد ، معصومه

اختری در مدار شمس شمس

یعنی أخت الرضاست ، معصومه



زائران ، یک در بهشت اینجاست

تربتش با صفاست ، معصومه

در توسل به عترت و قرآن

باب حاجات ماست ، معصومه

پاورقی

1 سروده آقای حسان .

صفحه 102

از مدینه ، به قصد خطه طوس

رهروی خسته پاست ، معصومه

تا زیارت کند برادر خویش

فکر و ذکرش دعاست ، معصومه

روز و شب ، عاشقی بیابان گرد

خواهری با وفاست ، معصومه

یا مگر اوست ، زینب دگری

کز برادر جداست ، معصومه



تا بدانی که نیمه ره جان داد

بنگر اکنون کجاست ، معصومه

از وطن دور و از برادر دور

حسرتش غم فزاست ، معصومه

گر

چه نشکسته سینه و پهلویش

در دلش داغهاست ، معصومه

داغ زهرا و داغ اجدادش

وارث کربلاست ، معصومه

هر حسینیه بیت اوست (حسان)

چونکه صاحب عزاست، معصومه

صفحه 103

صفحه 104

بخش هفتم : سیر تحولات معماری ، هنری آستانه مقدسه

اشاره



« فِی بُیُوتِ أَذْنِ اللَّهِ أَنْ تُرْفَعَ وَيُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ يُسَبِّحُ لَهُ فِيهَا بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ رِجَالٌ لَا تُلْهِيهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ ». (1)

« این چراغ پرفروغ الهی در خانه هایی قرار دارد که خداوند اذن فرموده دیوارهای آن را بالا برند (تا از دستبرد شیاطین و هوسبازان در امان باشد) خانه هایی که نام خدا در آن برده شود و صبح و شام در آن تسبیح گویند مردانی که تجارت و خرید و فروش آنها را از یاد خدا باز نمی دارد . »

بارگاه مطهر حضرت معصومه (علیها السلام) چون دیگر مشاهد مشرفه ، پشتوانه ارزشهای اسلام و تشیع و فرهنگ قرآن است ؛ و ایران در پناه این بقعه ها ، از حوادث دوران در امان مانده است ؛ بقای ایران و هویت ایرانی نیز در پرتو این معنویت ها امکان پذیر شد و ایران در طول اعصار و قرون حادثه خیز تاریخ ، باقی ماند .

این بقعه و بقعه های متبرکه دیگر ، تجسم آرمانهای اسلامی و پشتوانه معیارهای تشیع علوی و ارزش های والای انسانی است ، زیرا مشاهد منور آنها نه تنها زیارتگاه که آموزشگاهی بزرگ جهت کسب معارف الهی برای مشتاقان و زائران دلباخته کوی آنها محسوب می شود . هر زائری که با معرفت و شناخت مقام صاحب این مرقد و اهداف آن به زیارت برود از صاحب قبر الهام می گیرد و اصول و تعالیم مکتب را به یاد می آورد

پاورقی

و هر سلام او سرشار از این آموزش ها و الهامها است ؛ به گونه ای که کثی ها و کاستی های مادی و معنوی خویش را هموار می کند و از خصلت ها و اعمال و رفتاری که خوشایند امامان و امامزادگان نیست دوری می گزیند و در بهبود اخلاق و رفتار و روابط خویش می کوشد تا با امامان و اولیای الهی خود ، همسانی و همسویی پیدا کند و راه آنان را بیماید (1).

وجود اثر عظیم معنوی و دیگر آثار حیاتبخش این مراکز دینی جای هیچ گونه تردید و تأملی نیست ولی گذشته از این ، این بقاع نورانی را می توان از ذخایر عظیم هنر اسلامی نیز دانست . چرا که هنرمندان اهل ذوق با انگیزه های دینی و به عنوان تجلیل از مقام والای بزرگان دین ، آثار شگفت انگیزی از هنر را خلق کردند که نظر هر بیننده هنرشناسی را به خود جلب نموده و او را به تحسین وادار می نماید .

و در همین راستا به حقیقت می توان گفت : که بارگاه فاطمه معصومه (علیها السلام) همانند دیگر اماکن متبرکه اسلامی ، تجلیگاه هنر اصیل اسلامی و حکایتگر پیشینه های درخشان هنری جامعه دینی ملت ایران محسوب می شود .

به همین جهت ما در این بخش برآنیم که دورنمایی از آثار ارزشمند هنری اماکن متبرکه که حضرت معصومه (علیها السلام) و سیر تحولات هنری ، معماری آن را به دوست داران جلوه های هنر اسلامی ارائه نماییم . « اما شنیدن کی بود مانند دیدن » بجاست هنرمند ، هنر شناس خود از نزدیک این



همه آثار شگفت انگیز هنری را به نظاره بنشیند تا لطائف و ظرافت های نهفته در این گونه آثار گرانقدر را دریابد و آفرینندگان آن را تحسین نماید .

پاورقی

1 حضرت معصومه و شهر قم ، محمد حکیمی ، ص 49 50 « با تصرف و اضافات » .

صفحه 106

دورنمایی از اماکن متبرکه بارگاه فاطمی (علیها السلام)

(1) گنبد حرم مطهر

اولین گنبدی که « پس از سایبان حصیری موسی بن الخزرج » بر فراز تربت پاک فاطمه معصومه (علیها السلام) بنا شد ، قبه ای برجی شکل بود که به همت حضرت زینب دختر امام جواد (علیه السلام) از مصالح آجر و سنگ و گچ در اواسط قرن سوم هجری قمری ساخته شد .

به مرور زمان و پس از دفن جمعی از بانوان علوی در جوار فاطمه معصومه (علیها السلام) دو گنبد دیگر در کنار گنبد اول ساخته شد که سومین آنها مدفن حضرت زینب (علیها السلام) شد .

این سه گنبد تا سال 447ه . ق برقرار بودند تا این که در همان سال « میر ابوالفضل عراقی » (وزیر طغرل کبیر) به تشویق مرحوم شیخ طوسی به جای آن سه گنبد ، گنبد مرتفعی را به قطر داخلی تقریباً 11 و ارتفاع 14 متر ، آراسته به نقش های رنگ آمیزی و تزیینات آجری و کاشی بدون ایوان و حجره ها بنا نهاد ، که تمام قبور سادات را فرا می گرفت .



« در سال 925هـ. ق همین گنبد به همت « شاه بیگی بیگم » دختر شاه اسماعیل تجدید بنا شد ; با ایوان و دو مناره و صحن (عتیق) و سطح خارجی گنبد با کاشی های معرق آراسته گردید . »

این گنبد در

سال 1218هـ. ق . با خشت هایی زرنگار تزیین شد که تعداد دوازده هزار خشت با پوشش طلائی در آن بکار رفت .

ارتفاع این گنبد از سطح بام 16 متر و از سطح زمین 32 متر و محیطش از خارج 35/6 و از داخل 28/66 و قطرش 12 متر و بلندی عنق استوانه ای آن 6 متر است ; قسمت پایین آن از سطح بام تا نود سانتیمتر از آجر تراش و روی آن یک متر کاشی خشتی فیروزه ای و بالای آن (تمام جدار) مزین به خشت هایی با پوشش طلا است .

و در گلوگاه ساق گنبد ، کتیبه ای است که اشعاری از « فتحعلی خان صبا » در آن به خط نستعلیق قالب ریزی شده است که آن اشعار عبارتند از :

آتش موسی عیان از سینه سیناستی

یا که زرین بارگاه بضعه موساستی

بضعه موسی بن جعفر ، فاطمه کز روی قدر

خاک در گاهش عبیر طره حوراستی



نوگلی رنگین ز طرف گلشن یاسین بود

آیتی روشن به صدر نامه طاهاستی

پرتوی از آفتاب اصطفای مصطفی

زهره ای از آسمان عصمت زهراستی

صفحه 108

صحن او را هست اقصی پایه عزت چنان

کز شرف مسجود سقف مسجد اقصاستی

پستی از صحن حریمش را به پطاق حرم

کین مکان عزت و آن مسکن غبراستی (1)

این بود سیر تاریخی بنای گنبد بارگاه ملکوتی کریمه اهل بیت (علیهم السلام) از آغاز تا کنون که خود یکی از شاهکارهای معماری، هنری اسلامی و از بناهای کم نظیر در بین عتبات مقدسه است

(2) مرقد مطهر حضرت

مرقد شریف حضرت فاطمه (علیها السلام) (در میان بقعه مبارکه) با بلندی $1/20$ و طول و عرض $2/95$ ، در $1/20$ متر قرار گرفته و با کاشی

های نفیس و زیبای زرفام (آغاز قرن هفتم) پوشیده شده است.



گرداگرد مرقد منور، دیواری به بلندی دو متر و طول و عرض تقریبی (4/80، در 4/40) قرار دارد که در سال 950 بنا گردید و با کاشی معرق آراسته شد، که اکنون این دیوار با ضریح مشبک از جنس نقره پوشیده شده است. (2)

سیر تاریخی مرقد پاک آن حضرت از این قرار است:

در سال 605ه. ق «امیر مظفر احمد بن اسماعیل» بزرگ خاندان آل مظفر، بزرگترین استاد کاشی ساز آن زمان «محمد بن ابی طاهر کاشی قمی» را به کار ساخت و پرداخت کاشی های متنوع مرقد واداشت. او به مدت 8 سال به این کار مشغول بود تا سرانجام در سال 613 کاشی های مرقد آماده و کار گذاشته شد.

پاورقی

1 گنجینه آثار قم، ج 1، ص 407.

2 تربت پاکان، مدرّسی طباطبایی، ج 1، ص 46 و 50.

صفحه 109

در سال 965ه. ق شاه تهماسب صفوی، در چهار طرف مرقد سابق ضریحی آجری آراسته به کاشی های هفت رنگ (با نقش و نگار) و کتیبه های معرق بنا نمود و در اطراف آن منافذی باز بود تا هم مرقد دیده شود و هم زائران نذورات خود را داخل مرقد بریزند. (1)



بعد از آن به دستور شاه مذکور ضریحی از فولاد سفید و شفاف در جلو ضریح آجری قرار داده شد که طول آن 5/25 و عرض آن 4/73 و ارتفاعش 2/10 و دارای بیست درگاه مشبک و مضلع بود.

در سال 1230هـ .

ق فتحعلی شاه همان ضریح را نقره پوش کرد ؛ که این ضریح به مرور زمان فرسوده شد و در سال 1280 ضریحی که از نقره ضریح سابق و نقره های موجود در خزانه ساخته شده بود به جای آن نصب گردید .

این ضریح چندین مرتبه تجدید بنا و اصلاح شد و سالهای متمادی روی مرقد حضرت باقی بود تا اینکه در سال 1368هـ . ق . برابر سال 1348 هـ . ش . به دستور تولیت آن زمان شکل ضریح را تغییر دادند و ضریح کنونی را (با ظرایف و شاهکارهای هنری ویژه ای که دارد) به جای آن نصب نمودند که آن ضریح همچنان برفراز تربت نورانی حضرت برقرار است (2).

پاورقی

1 گنجینه آثار قم ، ج 1 ، ص 416.

2 همان ، ج 1 ، ص 475.

صفحه 110

(3) ایوان های حرم مطهر



ایوان طلا

ایوان طلا و دو ایوان کوچک کنار آن در شمال روضه مقدّسه واقعند که در سال 925 ه. ق هنگام تجدید بنای گنبد و احداث صحن عتیق و گلدسته های آن در زمان شاه اسماعیل صفوی و با اقدام دختر او ساخته شد. (1)

این ایوان با دهانه ای به طول و عرض $9 \times 8/70$ متر و بلندی چهارده متر، پایین دیوار آن (در سه طرف)، تا بلندی $1/80$ متر آراسته به قطعات کوچک کاشی فیروزه ای هشت گوشه ای و در میان آنها قطعات کوچکتر قهوه ای رنگ است که حاشیه ای از کاشی با زمینه (لاجوردی نقش و نگار) از چهار طرف آن را احاطه کرده است و برفراز آن کتیبه ای به ثلث سفید در زمینه

ای لاجوردی، گرداگرد ایوان دیده می شود که متن آن را حدیث نورانی: «أَلَا وَمَنْ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ مَاتَ شَهِيداً...» تشکیل می دهد.

پس از این کتیبه، بدنه ایوان تا ارتفاع دو متر دیگر، آراسته به کاشی های معرق آغاز عهد صفوی است و بعد از آن کتیبه سراسری دیگری به چشم می خورد و بالای کتیبه (مقرنس های) سقف ایوان با خشت های «زرفام» پوشیده شده است. (2)

پاورقی

1 گنجینه آثار قم، ج 1، ص 490.

2 تربت پاکان، ج 1، ص 62.

ایوانه های کنار ایوان طلا

دو ایوان در دو طرف ایوان طلا است به بلندی بیش از ده و پهنای دو و دهانه پنج متر ، که از بناهای عهد صفوی می باشند و سراسر بدنه آن ، مانند ایوان طلا به کاشی های معرّق همان دوره آراسته شده است .(1)

ایوان آینه

در ، جانب شرقی رواق مطهر نیز ایوانی مرتفع به بلندی ایوان طلا و طول و عرض 9 در 7/87 متی قرارداد که به خاطر آینه کاری آن ، به ایوان « آینه » معروف است .

پایین دیوار آن به بلندی بیش از یک متر سنگ مرمر به کار رفته که هر بدنه ای با یک قطعه سنگ آراسته شده است و بالای آن همه بدنه ایوان تا سقف آینه کاری است .

در کمر بند ایوان کتیبه ای سراسری از سنگ مرمر وجود دارد به پهنای حدود سی سانتیمتر ، که به خط ثلث آیه شریفه (الله نور السموات والارض ...) بر آن نقش بسته است .

میان ایوان و رواق شرقی حرم ایوانچه ای است که مانند ایوان اصلی تزیین شده که بر سر در آن حدیث شریف « مَنْ زَارَ فَاطِمَةَ بِقَمِّ فَلَهُ الْجَنَّةُ » به نستعلیق مشکی ، خوانده می شود . این مجموعه هنری شگفت انگیز از کارهای ارزشمند هنرمند مشهور دوره قاجار (استاد



حسن معمار قمی (می باشد که همزمان با بنای صحن نو ، به دستور « میرزا علی اصغر خان صدر اعظم » بنا شد . (1)

پاورقی

1 تربت پاکان ، ج 1 ، ص 67 .

صفحه 112

(4) مناره های صحن عتیق

در صحن عتیق بر فراز ایوان طلا دو مأذنه استوانه ای رفیع به بلندی 17/40 (از سطح بام) و قطر 1/50 قرار دارد .

پوشش مأذنه ها کاشی گرهی به شکل مارپیچ است که در میان پیچ ها نامهای مبارک : « الله » ، « محمد » ، « علی » به خط بنایی خوانده می شود .

در قسمت بالای مأذنه ها ، « مقرنسی » در سه ردیف پرداخته اند که زیر آن کتیبه ای به خط سفید مشتمل بر آیه « اِنَّ اللّٰهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلٰی النَّبِیِّ » (در مأذنه غربی) ؛ « یا اَیُّهَا الَّذِیْنَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَیْهِ » (بر مأذنه شرقی) قرار دارد .

این مأذنه ها به دستور « محمد حسین خان شاهسون شهاب الملک » حاکم قم ، در سال 1285 . ق بنا شدند و قبه آنها در سال 1301 ه . ق ، طلاکاری شد . (2)

پاورقی

1 تربت پاکان ، ج 1 ، ص 68 69 .



2 همان ، ج 1 ، ص 67 68

صفحه 113

(5) مناره های ایوان آینه

برفراز پایه های دو طرف ایوان دو مأذنه است که هر یک به بلندی 28 متر از سطح بام ، با قطر 3/30 متر ، از بلندترین بناهای آستانه می باشد .

این مأذنه ها از سطح بام تا 3 متر هشت ضلعی متساوی و سپس نیم متری مقرنس و آن گاه یک متری استوانه ای و بعد از آن تا 2/5 متر ، دوازده گوشه برجسته و پس از همه اینها (تا زیر مأذنه چوبی) استوانه ای است ، که در بالا کتیبه ای با پهنای حدود یک متر دیده می شود که متن آن در یکی از مأذنه ها « لا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ » و در دیگری « سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ » است .

سپس مقرنسی به پهنای حدود یک متر و بالای آن مأذنه چوبی و قبه مأذنه ها واقع شده است . پوشش هر دو مأذنه از بالا تا پائین سر تا سر

کاشی گرهی است که (در میان آنها) نامهای پروردگار متعال خوانده می شود . (1)

پاورقی

1 تربت پاکان ، ج 1 ، ص 71 .

صفحه 114



(6) مساجد حرم مطهر

مسجد بالا سر

مسجد بالا سر از وسیعترین بیوتات آستانه و محل تشکیل مجالس عمومی و نماز جماعت است که در دوران صفویه با فضایی به عرض 6 و طول 35 متر به عنوان میهمانسرای آستانه شمرده می شد و در عهد قاجاریه از ناحیه « تقی خان حسام الملک » پسر فتحعلی شاه ساختمان آن تجدید بنا شد و به صورت مسجدی دارای دو گنبد ساخته شد و به عنوان بزرگترین مکان از اماکن متبرکه آستانه

به شمار آمد .

در سال 1338 ه . ق « با ضمیمه شدن زمینی که در جهت غربی مسجد بود » فضای آن به 14 در 48 متر افزایش یافت که بر سه ستون قطور آجری 3 در 2 متر استوار بود .

این بنای مقدس بر پا بود تا زمانی که مسجد اعظم با آن وسعت و زیبایی خاص ساخته شد .

از آن جایی که دیگر ، بنای قدیمی مسجد بالا سر ، « بین ساختمان عظیم حرم مطهر و مسجد اعظم نوبنیاد » نمای خوبی نداشت ، متولی وقت ، « آقای سید ابوالفضل تولیت » به تجدید بنای آن اقدام نمود ، ساختمان قدیمی را از سطح زمین برداشت و به جای آن عمارتی رفیع به عرض 14 در 48 متر « فاقد ستون » و با خصوصیات فراوان معماری بنا نمود که امروز یکی از باشکوهترین اماکن متبرکه حرم مطهر محسوب می شود . (1)



یادآوری می شود که در جنوب این مسجد قبور فقهاء و استوانه های علم و حکمت واقع شده است: قبور علمای فرزانه ای همچون « مرحوم آیه الله حاج شیخ عبدالکریم حائری (مؤسس حوزه علمیه قم) و مرحوم آیه الله حاج سید محمدتقی خوانساری و مرحوم آیه الله حاج سید حسن صدر و آیه الله حاج سید احمد خوانساری » و اخیراً دانشمندان و فقهاء بزرگی همچون « مرحوم علامه طباطبایی و آیه الله العظمی گلپایگانی و آیه الله العظمی اراکی و آیه الله العظمی بهاءالدینی و آیه الله العظمی آ میرزا هاشم آملی » و از علماء شهید انقلاب اسلامی همچون « استاد شهید آیه الله

مطهری و شهید محراب آیه الله مدنی » در این تربت پاک آرمیده اند و همچون ستارگانی فروزان در کنار ماه منیر فاطمی فضای ملکوتی این مکان مقدس را نورباران نموده اند .

مسجد طباطبایی

مسجد طباطبایی ، گنبدی پنجاه ستونی است که به جای صحن زنانه « قدیم » در جنوب روضه مطهره ساخته شده است .

این گنبد در وسط به دهانه 17 و ارتفاع 17 متر است که با اضافه شدن فضای اطراف آن به 24/80 ، در 24/20 متر افزایش می یابد و دارای رواقی است مثلث شکل که قاعده و ساق آن 15 متر است .

پاورقی

1 گنجینه آثار قم ، ج 1 ، ص 621 .



این گنبد را بر فراز ده پایه آجری به قطر 2، در، 2 متر و ارتفاع 3/30 متر بنا کردند و بعداً چهار نبش تمام پایه ها را تراش داده و در چهار گوشه هر یک، ستونی استوانه ای با بتن مسلح بالا آوردند سپس درون چهار ستون را برچیدند و در نتیجه آن گنبد عظیم بر فراز سی و دو، تا چهل ستون برقرار شد.

روی ستونهای سیمانی را با قطعاتی از مرمر ماشین تراش به عرض ده و ارتفاع پنجاه سانتیمتر زینت دادند، به طوری که تمام ستونها مرمرپوش گردیدند و در ساق آنها به جای ته ستون صفحه مدرّجی از « بُرُنز » صیقلی زیبا، اضافه نمودند که زیبایی آنها را دو چندان نمود.

تعداد ستونهای این گنبد رفیع به اضافه ستونهای جانبی و ستون های رواق کنار آن به پنجاه ستون می رسد. بانی این گنبد مرتفع و

مسجد با عظمت مرحوم « حجه الاسلام حاج آقا محمد طباطبایی » فرزند مرحوم آیه الله حاج آقا حسین قمی است که از سال 1360 ه. ق، تا 1370 ه. ق بنای آن طول کشید. (1) در زاویه شمال غربی این مکان مقدّس قبور شهداء بزرگی از علماء و فضلاى حوزه علمیه واقع است: « قبر مرحوم شهید آیه الله ربّانی شیرازی و شهید ربّانی املشی و شهید محمد منتظری و شهید آیه الله قدّوسی و شهید محلاتی » که این خود بر صفا و معنویت این مکان افزوده است.

پاورقی

1 گنجینه آثار قم، ج 1، ص 626 627.



مسجد اعظم

(لمسجد اسس علی التّقوی من اوّل یوم احقّ أن تقوم فیه) .

از آثار دینی با عظمتی که به همت والای مرجع تقلید عالم تشیع حضرت آیه الله العظمی بروجردی (قدس سره) تأسیس گردید ، مسجد اعظم قم بود که در کنار حرم مطهر حضرت فاطمه معصومه (علیها السلام) جهت رفاه حال زائرین ساخته شد . این بنای رفیع با شرائط خاص و خصوصیات ممتازی که دارد مسجد منحصر به فردی است که در مجاورت آستان رفیع فاطمی بنا گردیده است .

انگیزه تأسیس مسجد

اساسی ترین انگیزه آن فقیه فرزانه برای بنای چنین مسجد عظیمی این بود ، که آن بزرگوار بارگاه کریمه اهل بیت (علیهم السلام) را فاقد مسجد مناسبی می دید که زائران بتوانند در آنجا از فضای روحانی بیشتری بهره ببرند ، لذا مشاهده این خلاء مکانی بود که ایشان را بر چنین تصمیم والایی واداشت . چنانچه خود ایشان بنا به نقل بعضی از بزرگان (1) در این رابطه فرموده اند به این که :

« بنا دارم در جوار حرم مطهر حضرت معصومه (علیها السلام) مسجدی چون مسجد گوهرشاد در کنار حرم حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) بنا نمایم » . از سوی دیگر پیش بینی آن بزرگوار این بود که ، حوزه مقدسه قم در دراز مدت به فضایی وسیع و مناسب جهت برگزاری دروس حوزویان در سطوح مختلف بویژه دروس خارج مراجع عظام نیاز دارد و چه بهتر که این مرکز در جوار حرم مطهر و با نام مسجد باشد .

پاورقی



1 حضرت آیت الله فاضل لنکرانی (دام ظلّه) .

صفحه 118

چنانچه قرار گرفتن مدفن آن عبد صالح خدا در کنار درب

ورودی این مسجد گواهی صادق ، بر اخلاص و پاکی نیت اوست ، و بحق می توان آن را یکی از مصادیق روشن (لمسجد اسس علی التّقوی من اوّل یوم) (1) : « مسجدی که از بدو تأسیس بر اساس تقوا و پاکی بنا شده است » ذ به شمار آورد .

تاریخ تأسیس

کلنگ بنای این مسجد در روز یازدهم ذیقعه 1373ه . ق . سالروز ولادت با سعادت حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) برابر با بیست و یک تیرماه 1333ه . ق . طی تشریفات خاصی به زمین زده شد .

مشکلات

یکی از مشکلات مهم احداث مسجد در این نقطه محدودیت مکانی زمین و ناموزون بودن آن بود . چون بطوری که مشاهده می شود ، مسجد از یک طرف به آستانه مقدسه و از طرف دیگر به ساحل رودخانه محدود است . و در نتیجه محوطه مسجد به شکل مثلث ناموزونی است که ضلع غربی آن حدود 120 متر و قاعده آن حدود 15 متر می باشد . مشکل دیگر وجود خانه هایی بود که در محدوده زمین مسجد قرار داشت که خرید آنها هزینه زیادی را می طلبید ، اما به دستور آن بزرگوار با مشکلات زیادی همه آن خانه ها خریداری و رضایت صاحبان آنها جلب شد . همچنین بیش از 3000 متر از کنار مسجد بالاسر از بیوتات و



متعلقات آستانه مقدسه بود که با درایت خاص ایشان در حریم مسجد قرار گرفت . سرانجام با عنایات الهی و رفع مشکلات یاد شده نقشه ساختمانی مسجد زیر نظر مهندسان و معماران کارآموده ای چون مرحوم لرزاده به طور دقیق و جامع طراحی شد و بر اساس آن ساخت مسجد آغاز گردید و پس از شش سال کار متمادی عمده کارهای ساختمانی آن به پایان رسید و در نیمه اول سال 1339 ه ش با اقامه نماز جماعت توسط حضرت آیه الله العظمی بروجردی (رحمه الله) افتتاح و مورد بهره برداری قرار گرفت .

پاورقی

1

توبه ، 108 .

صفحه 119

مشخصات ساختمانی مسجد

مجموع مساحت مسجد تقریباً 12000 متر مربع است و کلیه ساختمان آن با بتون مسلح بنا گردیده و لذا این مسجد از نظر استحکام از بناهای کم نظیر اسلامی به شمار می آید .

مسجد دارای چهار شبستان است که مساحت شبستان زیر گنبد 400 متر مربع و شبستانهای جانبی آن هر کدام 900 متر مربع می باشد و در طرف شمال مسجد نیز شبستان زیر ساعت با مساحتی حدود 300 متر مربع قرار دارد . ارتفاع سقف هر یک از شبستانها با سطح آن حدوداً 10 متر مربع است .

صفحه 120



در ضلع غربی مسجد سرویس بهداشتی و وضوخانه مسجد و یک سالن آسایشگاه برای خادمین احداث شده است. همچنین کتابخانه ای با دو سالن مطالعه و یک سالن مخزن در ضلع غربی صحن مسجد بنا گردیده که درب ورودی آن از طرف راهرو ورودی مسجد اعظم قرار دارد. این مسجد با عظمت دارای صحن بزرگی است با درهای ورودی متعدد، که وجود حوضی بسیار زیبا در فضای میانی آن، نمای آن مکان مقدس را دیدنی نموده است.

مسجد به سبک معماری اسلامی بنا شده است. که دارای گنبد بسیار بزرگی به قطر 30 متر مربع و به ارتفاع 15 متر مربع از سطح پشت بام و به ارتفاع 35 متر مربع از کف شبستان می باشد. و دارای گلدسته هایی بلند به ارتفاع 25 متر مربع از سطح پشت بام و به ارتفاع 45 متر مربع از سطح زمین است. و دارای دو مأذنه به ارتفاع 5 متر مربع می باشد (1). و همچنین یک

برج با ساعت زنگی بزرگ و زیبا در شمال مسجد قرار دارد که از چهار جهت دیده می شود.

این مسجد از نظر تزئینات و کاشیکاری و جلوه های هنر اسلامی از نمونه های بدیع کاشیکاری در قرن اخیر به شمار می رود (2).

پاورقی

1 خاطرات زندگی حضرت آیت الله بروجردی، سید محمد حسین علوی طباطبایی، ص 101 و 102.



استفاده بهینه از مسجد اعظم توسط آستانه مقدسه

پس از پیروزی انقلاب با توجه به اقبال زیاد زائرین محترم ، به حرم مطهر حضرت معصومه (علیها السلام) و احساس نیاز به فضاهای عبادی ، معنوی بیشتر در جوار بارگاه منور حضرت و عدم امکان بهره برداری شایسته از فضا و امکانات وسیع مسجد اعظم و در نتیجه معطل ماندن آن همه امکانات وسیع که با هدف اصلی بنیان گذار عظیم الشان آن موافقت نداشت . سرانجام در دهه آخر ماه مبارک رمضان سال 1371ه . ش . با رعایت موازین شرعی و قانونی حائل بین مسجد اعظم و مسجد بالاسر برداشته شد و به دنبال آن امور اداری و خدماتی مسجد بر عهده آستانه مقدسه قرار گرفت .

و طبق فرمان مقام معظم رهبری به تولیت محترم آستانه مقدسه ، مسئولین مربوطه موظف شدند بدون بهره برداری و دخالتی در موقوفات مسجد ، اقدام به نگهداری و حفاظت از مسجد و متعلقات آن و تأمین حقوق کارمندان آن نمایند . و هم اکنون این مکان مقدس محیط بسیار مناسبی برای تحصیل دانش پژوهان علوم دینی شده ، به گونه ای که در ایام تحصیلی حوزه اکثر مراجع معظم تقلید در این مکان مقدس تدریس می نمایند و تعداد کثیری

از طلاب و فضیای محترم از فیوضات علمی ایشان بهره مند می شوند . همچنین مراسم مذهبی مختلفی که از شئون مسجد است با شکوه خاصی در آن برگزار می شود .



(7) صحن های حرم مطهر

صحن نو « اتابکی »

صحن نو، بنایی است وسیع و خوش منظر، با صفا و معنویت خاصی که بر شکوه و عظمت بارگاه فاطمی افزوده است.

این صحن زیبا دارای چهار ایوان شمالی، جنوبی و شرقی و غربی است: ایوان شمالی آن ورودی حرم مطهر از میدان آستانه را و ایوان جنوبی ورودی حرم از خیابان موزه را و ایوان شرقی ورودی صحن نو از خیابان ارم را تشکیل می دهد؛ در هر کدام از این ایوان های یاد شده ظرایف و آثار هنری، معماری خاصی به کار رفته است که نظر هر بیننده هنر دوست را به خود جلب می نماید.

و ایوان غربی هم همان ایوان آینه است که ورودی روضه مقدّسه از صحن نو محسوب می شود.

وجود این ایوان های مجلّل (به ویژه ایوان آینه) و قرار گرفتن حوض بیضی شکل در وسط صحن مطهر (با خصوصیات موجود در آن) زیبایی این مکان مقدّس را دو چندان کرده است.

این صحن از آثار (میرزا علی اصغر خان صدر اعظم) است که از سال 1295 ه. ق، تا سال 1303 بنای آن طول کشیده است. (1)



1 گنجینه آثار قم ، ج 1 ، ص 579 580.

صفحه 123

در این صحن قبور علما و شهدایی « همانند شهید بزرگ انقلاب مشروطه آیه الله شیخ فضل الله نوری و شهید آیه الله مفتّح و عالم

بزرگ شیعه مرحوم قطب راوندی قرار گرفته ، و بر زائرین تربت پاک فاطمه معصومه (علیها السلام) است که از زیارت این فدائیان راه ولایت و امامت غافل نباشند .

صحن عتیق « قدیم »

صحن عتیق « واقع در شمال روضه مبارکه » اولین بنایی است که بر قبه مبارکه افزوده شد .

این صحن را سه ایوان زیبا فرا گرفته است . ایوانی با عظمت در جنوب که همان ایوان طلا « ورودی صحن به روضه مطهره » می باشد و ایوانی در شمال که ورودی فیضیه به صحن را تشکیل می دهد و ایوانی در غرب که ورودی مسجد اعظم به صحن است . و در شرق دالان ورودی صحن عتیق به صحن نو واقع است . این صحن در عین کوچک بودنش بخاطر داشتن ایوان های مجلل و حجرات متعدّد اطراف آن از زیبایی خاصی برخوردار است .

این صحن و ایوان های اطراف آن را « شاه بیگی بیگم » دختر شاه اسماعیل صفوی در سال 925ه . ق بنا نمود . (1)

این بود دورنمایی از آثار هنری ، معماری آستانه مقدّسه حضرت معصومه (علیها السلام) و بر هنرمندان اسلامی است که از نزدیک زیبایی های هنری نهفته در این بنای رفیع را به نظاره بنشینند و آفرینندگان آن را تحسین نمایند .



پاورقی

1 گنجینه آثار قم ، ج 1 ، ص 510.

بخش هشتم : زیارتنامه حضرت فاطمه معصومه (علیها السلام)

یکی از واژه های مقدّس و آشنای در قاموس شیعه ، واژه زیارت است و از جمله آداب و برنامه های دینی که به آن بسیار سفارش شده است رفتن به زیارت تربت پاک و مشاهد شریفه اهل بیت (علیهم السلام) و فرزندان بزرگوار آنهاست

. ائمه اطهار (علیهم السلام) در روایات و احادیث ، پیروان خود را بر این امر مهمّ تشویق و تحریص فرمودند و اجر و پاداش فراوانی برای آن بیان کرده اند .

چنانچه درباره زیارت امام حسین (علیه السلام) ، امام صادق (علیه السلام) می فرماید : « زیارت آن حضرت برابر است با هزار حج و عمره » (1) . و حضرت رضا (علیه السلام) درباره زیارت خود فرمود : « هر کس مرا با معرفت زیارت کند من از او شفاعت خواهم کرد » (2) . و امام جواد (علیه السلام) فرمود : « مَنْ زَارَ قَبْرَ عَمَّتِي بِقُمْ فَلَهُ الْجَنَّةُ » (3) : « کسی که قبر عمه ام » فاطمه معصومه (علیها السلام) را ، در قم زیارت کند سزاوار بهشت خواهد بود . »

پاورقی

1 بحار ، ج 101 ، ص 43 .

2 همان ، ج 102 ، ص 33 .

3 همان ، ج 102 ، ص 265 .

و درباره زیارت حضرت عبدالعظیم (علیه السلام) ، امام هادی (علیه السلام) فرمود : «اگر قبر عبدالعظیم را ، زیار می کردی مثل آن بود که امام حسین (علیه السلام) را زیارت کرده باشی» (1).

و رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمود : « مَنْ زَارَنِي أَوْ زَارَ أَحَدًا مِنْ ذُرِّيَّتِي زُرْتُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَأَنْقَذْتُهُ مِنْ أَهْوَالِهَا » (2) : « کسی که مرا ، یا یکی از فرزندانم را زیارت کند روز قیامت به دیدارش خواهم رفت و او را از ترس های آن روز نجات خواهم داد » .

حال باید توجه کرد که فلسفه و حکمت این همه فضیلت و پاداش چیست ؟ آیا این اجر و ثواب عظیم فقط برای یک زیارت ظاهری است بدون هیچ اثر و هدفی ؟ یا اینکه همه

اینها در راستای اهداف عالی دینی است که امت اسلامی با زیارت تربت مطهر این عزیزان ، ره توشه ای برای دنیا و آخرت خویش برگیرد و با اسوه قرار دادن این نخبگان خلق خدا و با پیروی از خط مشی آن بزرگواران همواره امتی نمونه باشد . و با صفا و جلا دادن روح و جان خویش از آفت ها و کجی ها دور بماند و همیشه جامعه ای سرفراز و سعادت مند باشد . و با این تجدید میثاق های مکرر است که خط مستقیم تشیع و امامان بحق آن ماندگار و جاوید خواهد ماند .

روشن است که این هدف حاصل نمی شود مگر اینکه زائران آن مشاهد مشرفه ، عارف بحق صاحبان آن باشند و با کمال معرفت و شناخت به پابوس آنها شرفیاب شوند .



1 همان ، ج 102 ص 268.

2 کامل الزیارات ، ص 11.

صفحه 128

چنانچه در روایات این امر مهم را شرط پذیرفته شدن در آستان رفیع اولیای خدا دانسته و برای درک فضیلت زیارت ، بر آن تأکید فرموده اند ، همانطور که امام صادق (علیه السلام) فرمودند :

« مَنْ أَتَى قَبْرَ الْحُسَيْنِ عَارِفًا بِحَقِّهِ كَانَ كَمَنْ حَجَّ مِائَةَ حَجَّةٍ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) » (1) : « یعنی کسی که با معرفت و شناخت ، قبر امام حسین (علیه السلام) را زیارت کند مثل کسی است که ، صد حج همراه رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) انجام داده باشد . »

و امام جواد (علیه السلام) هم درباره زیارت حضرت رضا می فرماید : « بهشت واجب است بر کسی که قبر پدرم را (در طوس) با معرفت زیارت کند . » (2)

و حضرت رضا (علیه السلام) درباره زیارت حضرت معصومه فرمود : « مَنْ زَارَهَا عَارِفًا بِحَقِّهَا فَلَهُ الْجَنَّةُ » (3) : « کسی که « فاطمه معصومه » را زیارت کند ، در حالی که « معرفت » به حق او داشته باشد ، سزاوار بهشت است . »



بدیهی است که اگر مسلمان زائر، معرفت به فضائل و کمالات نفسانی و راه و رسم زندگی این بندگان شایسته خدا داشته باشد، می تواند از زیارت مرقد شریف آنان توشه ای برگیرد و روح و جان خود را با آن ارواح قدسی هماهنگ نماید، و با مکتب و مرام الهی آنها آشنا گردد.

به این جهت برای حضرت فاطمه معصومه (علیها السلام) زیارتنامه معتبری نقل شده است. تا زائران مشتاق با خواندن فرازهای نورانی آن در جهت طی طریق رشد و کمال از حضرتش الهام گیرند و با ارتباط یافتن با آن منبع فیض الهی از دریای بی کران رحمت حق توشه ای برگیرند و آن زیارتنامه معروفی است که مرحوم مجلسی در بحارالانوار آن را نقل فرموده است که ما آن را با سند در اینجا می آوریم.

پاورقی

1 بحار، ج 101 ص 42.

2 همان، ج 102 ص 37.

3 همان، ج 102 ص 266.

صفحه 129

متن زیارتنامه با سند

« حَدَّثَ عَلِيُّ بْنُ أَبِيهِمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ سَعْدِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ مُوسَى الرِّضَا عَلَيْهِمَا السَّلَامُ ، قَالَ : قَالَ :
: يَا سَعْدُ ، عِنْدَكُمْ لَنَا قَبْرٌ ! قُلْتُ : جُعِلْتُ فِدَاكَ ، قَبْرُ فَاطِمَةَ بِنْتِ مُوسَى عَلَيْهِمَا السَّلَامُ ! قَالَ :
نَعَمْ ، مَنْ زَارَهَا عَارِفًا بِحَقِّهَا فَلَهُ الْجَنَّةُ . فَإِذَا رَأَيْتَ الْقَبْرَ فَقُمْ



عِنْدَ رَأْسِهَا مُسْتَقْبِلَ الْقِبْلَةِ ، فَكَبَّرَ أَرْبَعًا وَثَلَاثِينَ تَكْبِيرَهُ وَسَبَّحَ ثَلَاثًا وَثَلَاثِينَ تَسْبِيحَهُ وَاحْمَدَ اللَّهَ
ثَلَاثًا وَثَلَاثِينَ تَحْمِيدَهُ ، ثُمَّ قُلَّ :

« أَلْسَلَامُ عَلَى آدَمَ صِفْوَهَ اللَّهِ ، أَلْسَلَامُ عَلَى نُوحِ نَبِيِّ اللَّهِ أَلْسَلَامُ عَلَى إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِ اللَّهِ ، أَلْسَلَامُ
عَلَى مُوسَى كَلِيمِ اللَّهِ ، أَلْسَلَامُ عَلَى عِيسَى رُوحِ اللَّهِ .

أَلْسَلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ ، أَلْسَلَامُ عَلَيْكَ يَا خَيْرَ خَلْقِ اللَّهِ ، أَلْسَلَامُ عَلَيْكَ يَا صَفِيَّ اللَّهِ ، أَلْسَلَامُ
عَلَيْكَ يَا مُحَمَّدَ بْنَ عَبْدِ اللَّهِ خَاتَمَ النَّبِيِّينَ ، أَلْسَلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى بْنِ أَبِي طَالِبٍ
وَصِيَّ رَسُولِ اللَّهِ ، أَلْسَلَامُ عَلَيْكَ يَا فَاطِمَةَ سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ ، أَلْسَلَامُ عَلَيْكُمَا يَا سَبْطَى نَبِيِّ
الرَّحْمَةِ وَسَيِّدَى شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ ، أَلْسَلَامُ عَلَيْكَ يَا عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ سَيِّدَ الْعَابِدِينَ وَقُرَّةَ عَيْنِ
النَّاظِرِينَ ، أَلْسَلَامُ عَلَيْكَ يَا مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ بَاقِرَ الْعِلْمِ بَعْدَ النَّبِيِّ ، أَلْسَلَامُ عَلَيْكَ يَا جَعْفَرَ بْنَ
مُحَمَّدٍ الصَّادِقَ الْبَارِئَ الْأَمِينَ ، أَلْسَلَامُ عَلَيْكَ يَا مُوسَى بْنَ جَعْفَرَ الطَّاهِرَ الطُّهْرَ ، أَلْسَلَامُ عَلَيْكَ يَا
عَلِيَّ بْنَ مُوسَى الرِّضَا الْمُرْتَضَى ، أَلْسَلَامُ عَلَيْكَ يَا مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ التَّقِيِّ ، أَلْسَلَامُ عَلَيْكَ يَا عَلِيَّ
بْنَ مُحَمَّدٍ النَّقِيِّ النَّاصِحَ الْأَمِينَ ، أَلْسَلَامُ عَلَيْكَ يَا حَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ ، أَلْسَلَامُ عَلَى الْوَصِيِّ مِنْ بَعْدِهِ
، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى نُورِكَ وَسِرَاجِكَ وَوَلِيِّ وَلِيِّكَ وَوَصِيِّ وَوَصِيَّكَ وَحُجَّتِكَ عَلَى خَلْقِكَ .

أَلْسَلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ ، أَلْسَلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ فَاطِمَةَ وَخَدِيجَةَ ، أَلْسَلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ
أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ، أَلْسَلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ ، أَلْسَلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ وَلِيِّ اللَّهِ ، أَلْسَلَامُ
عَلَيْكَ يَا أُخْتَ وَلِيِّ اللَّهِ ، أَلْسَلَامُ عَلَيْكَ يَا عَمَّةَ وَلِيِّ اللَّهِ ، أَلْسَلَامُ عَلَيْكَ يَا

بِنْتَ مُوسَى بْنِ جَعْفَرَ وَرَحْمَةَ اللَّهِ وَبِرَّكَاتِهِ .

أَلْسَلَامُ عَلَيْكَ ، عَرَفَ اللَّهُ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ فِي الْجَنَّةِ وَحَشَرْنَا فِي زُمْرَتِكُمْ وَأَوْرَدَنَا حَوْضَ نَبِيِّكُمْ
وَسَقَانَا بِكَأْسِ جَدِّكُمْ مِنْ يَدِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ .



أَسْأَلُ اللَّهَ أَنْ يُرِينَا فِيكُمْ السُّرُورَ وَالْفَرَجَ وَأَنْ يَجْمَعَنَا وَإِيَّاكُمْ فِي زُمْرِهِ جَدُّكُمْ مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَأَنْ لَا يَسْلُبَنَا مَعْرِفَتَكُمْ أَنَّهُ وَلِيُّ قَدِيرٌ .

أَتَقَرَّبُ إِلَى اللَّهِ بِحُبِّكُمْ وَالْبِرَائَةِ مِنْ أَعْدَائِكُمْ وَالتَّسْلِيمِ إِلَى اللَّهِ ، رَاضِيًا بِهِ غَيْرَ مُنْكَرٍ وَلَا مُسْتَكْبِرٍ ، وَعَلَى يَقِينٍ مَا أَتَى بِهِ مُحَمَّدٌ وَبِهِ رَاضٍ ، نَطْلُبُ بِذَلِكَ وَجْهَكَ يَا سَيِّدِي اللَّهُمَّ وَرِضَاكَ وَالِدَارَ الْآخِرَةَ .

يَا فَاطِمَةُ اشْفَعِي لِي فِي الْجَنَّةِ فَإِنَّ لَكَ عِنْدَ اللَّهِ شَأْنًا مِنَ الشَّأْنِ .

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تَخْتِمَ لِي بِالسَّعَادَةِ ، فَلَا تَسْلُبْ مِنِّي مَا أَنَا فِيهِ ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ .

اللَّهُمَّ اسْتَجِبْ لَنَا وَتَقَبَّلْهُ بِكَرَمِكَ وَعِزَّتِكَ وَبِرَحْمَتِكَ وَعَافِيَتِكَ .

وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ أَجْمَعِينَ وَسَلَّمَ تَسْلِيمًا يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ « (1)

پاورقی

1 بحار ، ج 102 ، ص 266 265 .

صفحه 131

ترجمه زیارتنامه



علی بن ابراهیم از پدرش از سعد از امام علی بن موسی الرضا (علیهما السلام) نقل می کند که فرمود: ای سعد! ما نزد شما قبری داریم! عرض کردم فدایت شوم، قبر فاطمه دختر امام موسی (علیهما السلام) را می فرمایی؟ فرمود: آری، هر که او را با معرفت زیارت کند بهشت سزاوار اوست. هر گاه (به حرم مشرف شده و) قبر را دیدی نزد (1) سر (حضرت) رو بقبله بایست و سی و چهار مرتبه «اللَّهُ أَكْبَرُ» و سی و سه مرتبه «

سُبْحَانَ اللَّهِ» و سی و سه مرتبه «الْحَمْدُ لِلَّهِ» بگو، سپس بگو:

«سلام بر حضرت آدم برگزیده خدا، سلام بر حضرت نوح پیامبر خدا، سلام بر حضرت ابراهیم دوست خدا، سلام بر حضرت موسی هم صحبت خدا، سلام بر حضرت عیسی روح الله، سلام بر تو ای رسول خدا، سلام بر تو ای بهترین خلق خدا، سلام بر تو ای برگزیده خدا، سلام بر تو ای محمد بن عبد الله خاتم پیامبران، سلام بر تو ای امیر مؤمنان علی بن ابی طالب وصی رسول خدا، سلام بر تو ای فاطمه، ای بزرگ بانوی بانوان عالم، سلام بر شما ای دو سبط پیامبر رحمت، ای دو سرور جوانان اهل بهشت، سلام بر تو ای علی بن الحسین، ای سرور عبادت پیشگان ای فروغ دیده بینندگان، سلام بر تو ای محمد بن علی، ای شکافنده علم بعد از پیامبر، سلام بر تو ای جعفر بن محمد، ای راستگوی نیکوکار امین، سلام بر تو ای موسی بن جعفر، ای پاک و پاکیزه، سلام بر تو ای علی بن موسی، ای پسندیده، سلام بر تو ای محمد بن علی، ای خویشان دار، سلام بر تو ای علی بن محمد، ای پاک سرشت و خیر خواه و امین، سلام بر تو ای حسن بن علی، سلام بر وصی بعد از او. بارخدا یا صلوات بفرست بر نور و چراغ روشن گرت، بر ولی ولایت، بر وصی وصیت، بر

حجت خود بر بندگانت، سلام بر تو ای دختر رسول خدا، سلام بر تو ای دختر فاطمه و خدیجه، سلام بر تو ای دختر امیر مؤمنان، سلام بر تو ای دختر امام حسن و امام حسین،



سلام بر تو ای دختر ولیّ خدا ، سلام بر تو ای خواهر ولیّ خدا ، سلام بر تو ای عمّه ولیّ خدا ، سلام بر تو ای دختر موسی بن جعفر ، رحمت و برکات خدا بر تو باد . سلام بر تو ، خداوند آشنایی برقرار کند میان ما و شما در بهشت ، و ما را در زمره شما محشور فرماید ، و ما را بر حوض پیامبر شما وارد کند ، و ما را با کاسه جدّتان از دست علیّ بن ابی طالب سیراب سازد ، صلوات خدا بر شما باد . از خداوند می خواهیم که سرور و فرج شما را به ما بنمایاند ، ما و شما را در زمره جدّ بزرگوارتان حضرت محمدّ که درود خدا بر او و آتش باد گرد آورد ، و معرفت شما را از ما نگیرد ، که او صاحب اختیار و مقتدر است . به سوی خداوند تقرّب می جویم با محبّت شما و بیزاری از دشمنان شما ، و با تسلیم شدن به فرمان خدا ، از روی رضایت ، نه آن که منکر یا نافرمان باشم ، و با یقین به آنچه حضرت محمدّ (صلی الله علیه وآله وسلم) آورده و به آن راضی هستم ، با این عقیده عنایت ترا می طلبم ، ای سرور من .

خدایا رضایت ترا و سرای آخرت را خواستارم . ای فاطمه (معصومه) در مورد بهشت از من شفاعت کن ، چون که ترا نزد خدا مقام رفیعی است .

پی نوشتها

1 مقصود از روایت این است که در شمال ضریح مطهر رو به قبله ، نزد سر حضرت بایستند ، (نه بالای سر و غرب ضریح مطهر) ، چنانچه سیره عملی بزرگانی چون حضرت امام خمینی (رحمه الله) و آیه الله حاج شیخ مرتضی حایری (رحمه الله) و برخی بزرگان دیگر این معنا را تأیید می نماید .



خداوندا! من از تو می خواهم که عاقبت امر مرا به سعادت ختم کنی ، پس عقایدی که دارم از من نگیر ، که هیچ نیرو و قدرتی جز خداوند بزرگ و والا نیست . خداوندا ! دعایم را مستجاب کن ، و آنرا به کرم و عزت و رحمت و عافیت خود از من قبول فرما . بر محمد و همه اهل بیت او صلوات فراوان و درود بی پایان فرست ای بخشنده ترین بخشنده گان(1).

پاورقی

1 کریمه اهل بیت ، علی اکبر مهدی پور ، ص 152 159 ، با کمی تصرف .

صفحه 133